



عصر

روزنامه اجتماعی اقتصادی

شنبه 21 December 2024 • آدی ۱۴۰۳ • ۱۹ جمادی الثانی ۱۴۴۶ • شماره چهارصد و نود و یک
www.asrghanoon.ir

از نیل تا کاخ سفید

کابینه ترامپ مملو از طرفداران اسرائیل است

سایت تحلیلی نیو عرب در مقاله‌ای نوشت: ترامپ قصد دارد تعداد زیادی از شخصیت‌های طرفدار اسرائیل را در دولت جدید خود بگنجانند. اما وقتی صحبت از جنگ در فرزه می‌شود، فقدان تعهدات ایدئولوژیک ثابت وی نشان می‌دهد خواهان دستگیری به یک معامله است.

معامله‌ای که به نظر می‌رسد برای فلسطینی‌ها بد خواهد بود. نه تنها به دلیل تمایل دولت ترامپ به طرفداری از اسرائیل بلکه به این دلیل که معاملات با میانجی‌گری خارجی تمایل به متعکس کردن توازن قدرت در زمین دارند که به وضوح به نفع اسرائیل است.

در صفحه ۴ بخوانید



مؤلفه‌های پنج‌گانه نقشه منطقه‌ای دشمنان



اختلال در افکار عمومی، به معنی ایجاد شرایط لازم جهت تغییر باورها، اصول، راهبردها و رفتارها در قبال یک پدیده است.

۲

مثلت اقدام علیه ایران



نگارش این نامه، جزئی از یک روند ضدایرانی با هدف انعقاد توافق جدید یا بازگشت خودکار تحریم‌های چندجانبه شورای امنیت علیه ایران بوده و نباید از کنار آن به سادگی عبور کرد

۲

کدام علوم انسانی؟!



باید علوم انسانی را از دامن دین برگرفت و تدبیر جهان انسانی و اجتماعی را از دین طلبید. آری، علوم انسانی اسلامی، علوم انسانی نقلی نیست و حجیت عقل و تجربه را به رسمیت می‌شناسد، اما نه عقل و تجربه سکولار را.

۴

پژوهش‌های فرهنگی آزاد از دین و تجربه!



هیچ جامعه‌ای را سراغ نداریم تا کید می‌کنم هیچ جامعه‌ای را سراغ نداریم که به صرف تبلیغ و تبیین و روشنگری و به اصطلاح فعالیت فرهنگی، توانسته باشد حتی یک ارزش اجتماعی را نهادینه کرده باشد!

۴

راز پیش بینی رهبری از سوریه



مدل حمایتی جمهوری اسلامی اینست که مقاومت را در دل و ذهن مردم زنده می‌کند تا مقابل ظالم ایستاده و بر سرنواخت خود مسلط شوند؛ این نیز فلسفه صدور انقلاب است.

۴

وقایع سوریه و یک ردپا



عجیب‌تر اینجاست که رسانه‌های آمریکا نیز این روزها همسو با دولت این کشور مشغول سفیدشویی و مخفی نگه داشتن جنایات گروه‌های تروریستی داخل سوریه هستند.

۴



مؤلفه‌های پنج‌گانه نقشه منطقه‌ای دشمنان

محمد مهدی ایمانی‌پور



رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار هزاران نفر از اقشار مردم، با تبیین لایه‌های مختلف حوادث سوریه و ترسیم منطق حضور ایران در این کشور، به تشریح روند آتی تحولات منطقه و بیان درس‌ها و عبرت‌های اتفاقات سوریه پرداخته و فرمودند: «این حوادث محصول یک نقشه آمریکایی - صهیونیستی است و گستره مقاومت با یافتن استحکام و انگیزه بیشتر در مقابل فشارها و جنایت‌ها، به حول قوه الهی همه منطقه را فرا خواهد گرفت.»

بر اساس فرمایشات بسیار با اهمیت و دوراندیشانه رهبر حکیم انقلاب اسلامی، پنج مؤلفه اساسی نقشه دشمن در قبال تحولات اخیر را می‌توان به شرح زیر مورد توجه قرار داد:

۱. **روایتگری محدود از اهداف خطرناک:** در سال ۲۰۰۶ میلادی، جو بایدن، رئیس‌جمهور کنونی آمریکا، نقشه راه خطرناکی تحت عنوان فدرالیته‌کردن عراق بر اساس مؤلفه‌های قومیتی و مذهبی را ارائه کرد. فرجام طرح جو بایدن، تجزیه عراق یکپارچه به سه کشور عراق سنی‌نشین، عراق شیعه‌نشین و عراق کردنشین بوده است. این طرح در ادامه مسیر سیاست خارجی و منطقه‌ای آمریکا به یک نقشه راه کلان در قبال سایر کشورهای مسلمان تبدیل شده است. این قاعده کلان در خصوص سوریه نیز صادق است. تجزیه سوریه، هدفی است که منابع امنیتی و رسانه‌ای غرب امروزه آشکارا از آن پرده برداشته‌اند. در این میان، روایتگری بسیار ناقص و محدودش رسانه‌های غربی و صهیونیستی، نوعی نشانی انحرافی و نادرست در راستای تمرکززدایی از هدف اصلی دشمنان محسوب می‌شود.

۲. **مواجهه با اتصال گفتگمانی جبهه مقاومت:** جبهه مقاومت در طول دهه‌ها و سال‌های اخیر، از نوعی انسجام و اتحاد گفتگمانی برخوردار بوده و این مسأله، خود را در میادین نبرد جبهه حق علیه باطل (از جمله در تحولات اخیر) نمایان ساخته است. خیزش و بیداری جهانی در قبال ماهیت رژیم اشغالگر قدس در جریان توحش و جنایات این رژیم در فلسطین و لبنان، به تبلور پدیده‌ای تحت عنوان «بسط جهانی گفتگمان مقاومت» منجر شده است. در چنین شرایطی دشمنان در صدد ارائه تصویری ضعیف از منظومه کنونی مقاومت هستند. این در حالی است که حیات جبهه مقاومت وارد مرحله‌ای تازه شده که فرجام آن، شکست سنگین منطقه‌ای و جهانی تل‌آویو، واشنگتن و دیگر مهره‌های جبهه باطل خواهد بود. منظومه مقاومت، خصوصاً به لحاظ گفتگمانی اکنون در نقطه اوج و بلوغ خود قرار دارد.

۳. **تهدید عمق استراتژیک مقاومت:** «نمادسازی» از تحولات مقطعی، روش نخبه و متعارفی است که دشمنان همواره از آنها در راستای مواجهه با «موجودیت جبهه مقاومت» استفاده کرده‌اند. در حال حاضر نیز دشمنان با استناد به تحولات جاری در سوریه قصد دارند عمق استراتژیک مقاومت را محدود کنند. در این خصوص دشمنان دچار دو خطای بزرگ شده‌اند: نخست اینکه عمق استراتژیک مقاومت نه صرفاً بر روی زمین، بلکه در اذهان و قلوب ملت‌های منطقه و جهان بوده و همین مسأله، قدرت بازخوانی و بازتولید آن را در حساس‌ترین بزنگاه‌ها با فوریتی مثال‌زدنی میسر می‌سازد.

۴. **دستکاری افکار عمومی:** اختلال در افکار عمومی، به معنی ایجاد شرایط لازم جهت تغییر باورها، اصول، راهبردها و رفتارها در قبال یک پدیده است. غرب از دستکاری افکار عمومی (در قالب جنگ روانی و تبلیغاتی) جهت انهدام باورهای کلان مخاطبان عام و خاص در خصوص تحولات جاری در نظام بین‌الملل استفاده می‌کند. این قاعده در خصوص آنچه در سوریه رخ می‌دهد نیز صادق است. آمریکا و رژیم اشغالگر قدس، این جنگ روانی را علیه ارتش سوریه نیز به کار گرفتند، اما قطعاً در تعمیم آن به اذهان آگاه و بیداری منطقه و جهان عاجز خواهند بود.

۵. **خلق الگوهای خطرناک حکمرانی:** در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ میلادی، پس از اشغال افغانستان و عراق، آمریکا و شبکه متصل به واشنگتن تلاش کردند با خلق الگوهای حکمرانی جدید و پر خطر، با جعل عناوینی مانند «سلام سکولار»، «اسلام تکفیری»، «اسلام مبتنی بر لیبرال‌دموکراسی غربی» و «اسلام همزیست با صهیونیسم»، الگوی واقعی حکمرانی متعادل، مقتدر و پیشروی دینی را که ایستادگی در برابر دشمنان قسم‌خورده دین اسلام و تعالیم قرآنی را مسئولیت و وظیفه ذاتی خود قلمداد می‌کند، به انزوا برد. اصالت و بنیان‌های منظومه حاکمیت دینی و اسلامی به اندازه‌ای قدرتمند است که این بار نیز اجازه تنفس الگوهای جعلی از حکمرانی دینی را به دشمنان و مهره‌های آن نخواهد داد.



بازگشایی سفارت خانه‌ها و برقراری ارتباطات جدید

جعفر قنندباشی

جعفر قنند باشی با بیان اینکه هدف اصلی سفر رئیس‌جمهور ایران، به کشور مصر شرکت در اجلاس دی هشت است، گفت: این سازمان شامل هشت کشور بزرگ و پرجمعیت اسلامی است که به دنبال ایجاد یک بازار مشترک اسلامی و تقویت همکاری‌های اقتصادی میان اعضا می‌باشد. کشورهای عضو شامل ایران، پاکستان، اندونزی، نیجریه، مصر و ترکیه هستند که در مجموع بیش از یک میلیارد نفر جمعیت دارند. وی اظهار کرد: این اجلاس فرصتی برای ایران است تا نقش آفرینی بیشتری در این سازمان داشته باشد و آن را به یک بریکس اسلامی تبدیل کند. همچنین، در حاشیه این اجلاس، دیدارهای مهمی به ویژه در مورد مسائل حاد منطقه‌ای مانند غزه و سوریه ممکن است صورت گیرد.

این کارشناس مسائل منطقه با یادآوری اینکه روابط ایران و مصر در گذشته به دلیل موانع سیاسی محدود بوده و تنها در دوران آقای احمدی‌نژاد یک سفر به مصر انجام شده است، تأکید کرد: نزدیک شدن ایران و مصر می‌تواند به کاهش اختلافات مذهبی و سیاسی کمک کند. وی به حواشی این اجلاس اشاره و بیان کرد: در این اجلاس، احتمال دیدار آقای اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، نیز وجود دارد که می‌تواند به بحث در مورد بحران سوریه و روابط ترکیه با گروه‌های مسلح بپردازد. همچنین، دیدارهای حاشیه‌ای این سفر می‌تواند بر مسائل منطقه‌ای مانند سوریه و غزه تأثیرگذار باشد و به برقراری آرامش در منطقه کمک کند.

قنند باشی بر اهمیت روابط تاریخی و فرهنگی میان ایران و مصر تأکید و ابراز امیدواری کرد: امیدوارم این سفر زمینه‌ساز بهبود روابط دو کشور باشد.

وی به تأثیر سفر رئیس‌جمهور بر روابط ایران و مصر و همچنین مسائل منطقه‌ای پرداخت و اشاره کرد: در زمان ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد، روابط ایران و مصر به دلیل شرایط خاص و عدم توانایی رئیس‌جمهور مصر در اتخاذ تصمیمات مستقل تحت تأثیر نظامیان، شکل نگرفت. اما با بهبود روابط عربستان با مصر، تمایل بیشتری از سوی مصر برای برقراری روابط با ایران مشاهده می‌شود.

این کارشناس مسائل منطقه افزود: عربستان به عنوان حامی اصلی نظامیان در مصر، تأثیر زیادی بر سیاست‌های رئیس‌جمهور مصر دارد. سفر رئیس‌جمهور ایران می‌تواند به بازگشایی سفارت خانه‌ها و برقراری ارتباطات جدید منجر شود. وی با اشاره به پیشنهاد نجم‌الدین اربکان، نخست‌وزیر ترکیه، برای تشکیل اجلاسی متشکل از هشت کشور اسلامی و ایجاد بازار مشترک اسلامی گفت: این پیشنهاد با واکنش‌های منفی از سوی کشورهای غربی، به ویژه آمریکا، مواجه شد. هدف از این اجلاس، نزدیکی کشورهای اسلامی و ایجاد اقتصادی مستقل در برابر غرب است. استقلال اقتصادی و وحدت کشورهای اسلامی به عنوان یک جرم در نظر گرفته می‌شود و انقلاب اسلامی ایران به عنوان نماد استقلال و آزادی در برابر سلطه غرب معرفی می‌شود.

قنند باشی در مصاحبه تلفنی با رادیو گفت‌وگو به بررسی تفاوت دیدگاه‌های آقای اربکان و آقای اردوغان پرداخت و اظهار کرد: آقای اردوغان با انجام تحرکات نظامی در سوریه از مواضع قبلی خود که هم‌خوانی و هم‌اسلامی بودند، عدول کرده و به سمت قوم‌گرایی حرکت کرده است. او به دنبال عثمانی‌گرایی و تجدید بنای آن است، اما این رویکرد در تضاد با اصول اسلامی است. در واقع اردوغان به پان‌ترکیسم و ایده ترکستان بزرگ تمایل دارد که از اسلام جدا می‌شود. غربی‌ها از این قوم‌گرایی بهره‌برداری می‌کنند.

وی به تغییرات در رفتار اردوغان در مقایسه با دوران اولیه ریاست‌جمهوری‌اش اشاره کرد و گفت: اردوغان در حال حاضر به نفع اسرائیل و آمریکا عمل می‌کند. اردوغان در مسیر وحدت و استقلال اقتصادی کشورهای اسلامی دچار انحراف شده است.

این کارشناس مسائل منطقه افزود: نجم‌الدین اربکان اجازه نداد تا اردوغان به راهش ادامه دهد و با وجود انواع پرونده‌هایی که برایش درست کردند اما شهید راه وحدت و استقلال اقتصادی کشورهای اسلامی شد.

مثلث اقدام علیه ایران

حنیف غفاری

نامه رسمی اخیر تروویکیای اروپایی خطاب به دبیر کل و شورای امنیت سازمان ملل متحد، نقطه آشکار ساز فعالسازی مکانیسم ماشه علیه برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت محسوب می‌شود. برخی مدعی شده‌اند چنین نامه‌ای دارای اتقان (به لحاظ حقوقی) نبوده و صرفاً سندی سیاسی با هدف هشدار به تهران به شمار می‌آید. با این حال گردش کار و روند نگارش و ارسال نامه و مرجع و مخاطب آن، چنین ادعایی را مخدوش جلوه می‌دهد. نگارش این نامه، جزئی از یک روند ضد ایرانی با هدف انعقاد توافق جدید با بازگشت خودکار تحریم‌های چندجانبه شورای امنیت علیه ایران بوده و نباید از کنار آن به سادگی عبور کرد. در این خصوص نکاتی وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد:

نخست اینکه "متن اقدام" صورت گرفته از سوی تروویکیای اروپایی ناظر بر یک "فرامتن اقدام" تنظیم شده و آن، شرایط جاری در منطقه و جهان است. انتشار این نامه هدفمند، با هدف قرار دادن تهران بر سر یک دوراهی صورت گرفته است: پذیرش مفاد یک توافق جامع که ابعاد گسترده‌تری نسبت به برجام (و مسئله هسته‌ای ایران) داشته باشد یا قرار گرفتن در معرض فشار حداکثری. در جریان برگزاری مذاکرات اخیر میان معاونین وزارت خارجه ایران و سه کشور اروپایی در ژنو، هر سه دولت غربی تأکید کرده‌اند که نه تنها بازگشت به توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ امکان‌پذیر نیست، بلکه بند موسوم به "غروب آفتاب" نیز از نظر آنها ابطال شده است. در مقابل، نمایندگان وزارت امور خارجه کشورمان نیز تأکید کرده‌اند که ایران هرگز به سطح و غنای غنی سازی مندرج در سند اصلی توافق هسته‌ای (۲/۶۷ درصد) باز خواهد گشت و فراتر از آن، از مکانیسم‌های طراحی شده در خصوص تضمین و راستی آزمایی توافق جدید کوتاه نخواهد آمد. ارسال نامه اخیر تروویکیای اروپایی به شورای امنیت

سازمان ملل متحد، ناظر بر همان خواسته‌های آنها در حوزه دیپلماسی پنهان است: مهار حداکثری جمهوری اسلامی ایران در ابعاد هسته‌ای، منطقه‌ای و حتی موشکی.

نکته دوم، همان گونه که اشاره شد معطوف به فرامتن این اقدام است: جایی که دغدغه‌های مشترک آمریکا و تروویکیای اروپایی در قبال تحولات جاری در منطقه خودنمایی می‌کند. در این میان، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز در کسوت یک کاتالیزور (عامل تسریع کننده) در این معادله عمل می‌کند: جایی که اصرار دارد ایران دامنه دسترسی‌های بازرسان آژانس در فردو را با هدف سنجش میزان ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی و ۲۰ درصدی خود تسریع کند. همان گونه که مشاهده می‌شود، میان مطالبات آژانس و اقدام اخیر تروویکیای اروپایی نوعی هارمونی آشکار وجود دارد. این دو بازیگر (آژانس و دولت‌های اروپایی) تلاش می‌کنند در یک هم پوشانی "سیاسی-فنی" با یکدیگر، زمینه هموارسازی حل و فصل پرونده هسته‌ای و غیرهسته‌ای ایران را از منظر مقامات آمریکایی فراهم سازند. اصرار پشت پرده آژانس و طرف‌های اروپایی در خصوص پذیرش مطالباتشان قبل از حضور رسمی ترامپ و جمهوریخواهان در کاخ سفید، با همین هدف صورت گرفته است. ادعای مقامات سه کشور اروپایی در خصوص محدود بودن مذاکرات اخیر ژنو به خود و تهران، آدرس نادرست و غلطی محسوب می‌شود که نباید تحت تأثیر آن قرار گرفت. طبق اطلاعات موق، این مذاکرات با نظارت و حتی ریل گذاری تیم سیاست خارجی جدید ترامپ صورت می‌گیرد و افرادی مانند مارکو رابویو وزیر خارجه پیشنهادی دولت جدید آمریکا در این خصوص رایزنی‌های مستمری با وزرای خارجه آلمان، انگلیس و فرانسه صورت می‌دهند.



به بهانه حمله غرب به یمن

موسی نجفی

ریشه‌یابی تعارض منافع غرب با رعایت اصول اخلاقی و انسانی (نظر یک سیاستمدار کهنه کار انگلیسی قرن ۱۹)

امروز وقتی از عهد شکنی و به اصطلاح "دبه" کردن غربی‌ها و یا ورود آنها در یک تهاجم و یا توطئه بین المللی سخن گفته می‌شود به خوبی می‌توان مشاهده کرد که اصول اخلاقی کمترین ارزشی برای آنان نداشته و ندارد؛ اما این امر در منظر جهانی و در عصر گسترش اطلاعات چگونه توجیه می‌گردد؟ حمایت غرب از جنایات صهیونیست در غزه چگونه تبیین می‌شود؟

برای درک مطلب، خوب است به سراغ برخی تفسیرهای تاریخ دیپلماسی غرب و مفهوم تعادل و نظم در بین قدرت‌های جهانی برویم تا قوانین حاکم بر ذهن سیاست ورزان اروپایی را بهتر بشناسیم. این مطلب را به نقل از هنری کیسینجر استراتژیست برجسته آمریکایی در تفسیر معاهده تاریخی وستفالی که مربوط به چهار قرن قبل است ذکر می‌کنیم:

لرد پالمستون دولتمرد بریتانیایی قرن نوزدهم در تفسیر معاهده تاریخی وستفالی می‌گوید:

ما دیگر هیچ هم پیمان دائمی و هیچ دشمن همیشگی نداریم، منافع ما هستند که دائم و همیشگی اند و بر ماست که آن منافع را دنبال نماییم.

در تعریف دقیق تر این منافع به صورت سیاست خارجی رسمی این سیاستمدار قدرتمند بریتانیایی چنین می‌گوید: هنگامی که مردم از من می‌پرسند که سیاستگذاری دقیقاً بر مبنای چیست؟ تنها پاسخ این است که هدف ما انجام کاری است که بسته به هر موقعیت؛ بهترین کار ممکن به نظر می‌رسد و به دنبال این هستیم که منافع کشور خود را سرلوحه کار قرار دهیم. (نقل از کتاب نظم جهانی، هنری کیسینجر، ص ۲۱، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۶)



نکته پایانی و مهم، معطوف به نوع مواجهه با مثلث "آمریکا-آژانس-تروویکیای اروپایی" در شرایط کنونی است. واقعیت امر این است که نقشه راه مشترک این بازیگران، معطوف بر گزاره‌هایی فرامتنی و پیش فرض‌هایی قطعی (از دید خود آنها) صورت گرفته است. این نقشه راه زمانی مخدوش می‌شود که پیش فرض‌هایی مانند "پذیرش اجباری هر گونه توافقی از سوی ایران" یا "موافقت ایران با تحدید توان خود در ابعاد گوناگون" ابطال شود. ابطال این پیش فرض‌ها نیز صرفاً با اصرار بر مولفه‌های امنیتی، هسته ای، دفاعی کشورمان امکان‌پذیر خواهد بود. در صورتی که ایران تحت تأثیر سناریوی موسوم به "مهار حداکثری" قرار گیرد، گام بعدی مثلث ضد ایرانی مذکور، "خلع سلاح ایران" خواهد بود. در این معادله، باید صیانت محکم و مستمری از مولفه‌های قدرت زیربنایی و سخت کشورمان داشت: به گونه‌ای که پیش فرض‌ها و ثوابت طراحی شده از سوی واشنگتن، تروویکیای اروپایی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به چالش کشیده شود و آنها وادار به ترسیم نقشه راه جدیدی شوند، نقشه راهی که شدت و عمق آن به مراتب برای کشورمان قابل کنترل‌تر و پیش‌بینی پذیرتر باشد.



انواع روش تحقیق از منظر پدر جامعه‌شناسی ارتباطات

باقرساروخانی

پروفسور باقر ساروخانی در مصاحبه با بخش با اهالی کتاب و کلمه در برنامه زنده رویداد درباره ویژگی‌های این کتب اظهار کرد: از سال ۴۰ که دانشجوی فوق‌لیسانس جامعه‌شناسی بودم، روش‌های تحقیق را به کار می‌بردم.

وی افزود: روش، هدف نیست؛ بلکه یک وسیله است و هیچ دانشی بدون روش درست تولید نمی‌شود. داده‌های علمی به همان نسبت که ارزشمند هستند، با روش درست تولید شده و اعتبار دارند و از این رو کلاهی تولیدی، با عیار بالا در اختیار جامعه قرار می‌گیرد.

وی افزود: از این رو به بررسی راه و روش تحقیق مشغول بودم تا اینکه کتاب اول روش تحقیق فراهم شد و حدود ۴۰۰ صفحه داشت.

ساروخانی ادامه داد: این کتاب برای دانشجویان لیسانس تهیه و سعی شد اندیشه‌های مختلف، نظریه‌پردازی و مشاهده در این کتاب گنجانده شود. این کتاب خلاصه و ساده است که چندین بار به چاپ رسیده و استقبال شدیدی از آن صورت گرفت.

وی افزود: در جلد دوم نیز مباحث ناظر بر موضوعات فوق‌لیسانس و نظریه‌ها و روش‌های جدید است. از این رو بحث سطوح بالاتری را به خود اختصاص داده است.

به گفته ساروخانی جلد سوم ناظر بر مسائل آماری است و قصد دارد تحقیق و پژوهش را به عنوان موضوعی غیر ادعایی نمایان سازد. تحقیق باید علمی و مستند و مقید به آمار باشد. حرف عادی را همه می‌زنند؛ ولی مسئله مهم، سنجش مسائل و وزن آماری آن‌هاست تا رسوخ مشکل در عمق یک جامعه دیده شود و این مسئله، کار و وظیفه دانش است.

وی خاطر نشان کرد: جلد چهارم این مجموعه کتاب به روش خاص تحقیق می‌پردازد که در جامعه جهانی مطرح شده و بسیار بحث جالبی است. در این جلد سعی شده جدی‌ترین اندیشه‌ها را مطرح کنیم.

ساروخانی درباره جلد پنجم هم گفت: این کتاب در دست چاپ است و مراحل نهایی را پشت سر گذاشته و شاید یکی از زیباترین جلد‌های این مجموعه باشد. این جلد تأکید دارد که روش‌های تحقیق کمی، جواب نمی‌دهد، چون انسان‌ها دارای ابعاد کیفی هستند و با چوب و درخت و زمین و... تفاوت دارند. انسان اندیشمند و دارای عواطف و احساسات است و بنابراین باید از روش‌های کیفی برای تحقیق استفاده کرد.

عصر ما، عصر شرارت‌های بالفعل و عدالت‌های بالقوه

حائری شیرازی

عصر ما عصری است که معرفت از راه سایت‌ها در دسترس همه قرار گرفته؛ یعنی هیچ عصری به درخشندگی عصر ما نیست در اینکه هر انسانی فرصت دارد بتواند پایه‌های اعتقادات خودش را محکم کند و از اعتقاد پدری‌مادری و منطقی‌های آزاد شود. عصر ما در قله این استعداد است. چرا؟ چون جهان‌وطنی پیش آمده است، دین جهانی پیش آمده است. همه، همه چیز را در سایت‌ها مختلف می‌بینند و برمی‌گزینند.

شرارت‌هایی که به وسیله این امکانات وسیع انجام می‌دهند، جهان را پر از ظلم و جور کرده؛ اما در عین حال، بشر آمادگی دارد که عالم پر از عدل و داد شود. اینکه می‌گوییم امام زمان (ع) می‌آید عالم را پر از عدل و داد می‌کند، معنای آن این نیست که ایشان معجزه می‌کند، بلکه، اعجاز خدایی به او کمک می‌کند؛ اما اگر مردم نخواهند، هیچ‌کس نمی‌تواند کاری بکند. این «لَسْتُ عَلَيْهِمْ بِمُضَيِّطٍ»، تنها مربوط به پیامبر ما نیست. ایشان هم «لَسْتُ عَلَيْهِمْ بِمُضَيِّطٍ» هستند.

عصر ما عصری است که بالفعل، شرارت‌ها در آن همیشه بیشتر است و بالقوه و بالاستعداد، عدالت‌ها در آن همیشه بیشتر است. عصر عجیبی است! هم از نظر ظلم و ستم و اجحاف و فساد بالفعل، فوق‌العاده است و هم در پاکی بالقوه، فوق‌العاده است. حالا حضرت می‌آید و موانع این بالقوه را از راه آن برمی‌دارد؛ یعنی قیام حضرت، براندازی آن زوری است که اجازه نمی‌دهد این استعداد به فعلیت برسد؛ نه اینکه زوری را تأسیس می‌کند که دین بر انسان تحمیل شود. نه! کسانی که اجازه نمی‌دهند این استعداد عدالت‌یابی و دین‌یابی در انسان‌ها به فعلیت برسد، امام زمان (ع) اینها را از سر راه برمی‌دارد؛ در نتیجه، مردم مثل بچه‌ای که به سر راه مادر می‌رود، به سر راه امامشان می‌روند.

کدام علوم انسانی؟!

مهدی جمشیدی



ایکم]. وزیر علوم در جشنواره فارابی به صورت مطلق از علوم انسانی دفاع کرده و گفته است آرمان‌های ما، حاصل علوم انسانی است و علوم انسانی، گره‌گشای مشکلات است. این روایت، برخاسته از این نظر خام است که علوم انسانی کنونی و غالب - که همان علوم انسانی تجدیدی است - «علم» است و چون علم، می‌تواند کارساز و پیشبرنده باشد، پس مطلق علوم انسانی نیز مفید است. چنین برداشتی، به‌نهایت سطحی و ابتدایی است و با ماهیت علوم انسانی تجدیدی و اثرات و نتایج عینی آن بر جامعه ایران، ناهمخوان است. علوم انسانی تجدیدی در نخستین ظهورش، مشروطه سکولار را به جامعه ایران تحمیل کرد و آن‌گاه در به اصطلاح جمهوری رضاخانی، سکولاریسم ساختاری را به صورت تحمیلی و وحشیانه، در جامعه ایران مستقر ساخت تا گذار از سنت به تجدید رخ بدهد. علوم انسانی تجدیدی، هویت اسلامی در جامعه ایران را بلعید؛ چنان‌که نظریه‌های همچون «غرب‌زدگی» و «بازگشت به خویشتن» و ... در واکنش به آن صورت‌بندی شدند. انقلاب اسلامی نیز از علوم انسانی تجدیدی برخاست، بلکه حاصل عالم و اراده دینی بود. از این رو، پس از انقلاب نیز امام خمینی تصریح کرد که به جای علوم انسانی تجدیدی که خاصیت استعماری و مادی دارد، باید به سوی علوم انسانی اسلامی حرکت کنیم که خط معنوی و هویتی انبیا الهی را بازسازی می‌کند.

دوم]. پس از فتنه سال هشتادوهشت، رهبر معظم انقلاب، از رواج آموزش علوم انسانی تجدیدی در دانشگاه، ابراز نگرانی کردند و گفتند آموزش این علوم در دانشگاه‌ها، به معنی بازتولید تفکر و فرهنگ غربی در متن جمهوری اسلامی است و این تناقض، بسی مهلک و ویران‌گر است. ایشان می‌دانستند که اصحاب فتنه، همان اصحاب علوم انسانی تجدیدی هستند و این سنخ از علوم انسانی، موجبات استحاله معرفتی آنها را فراهم آورده و آنها را در برابر اصالت‌های انقلابی نشانده است. سر و آگرای‌هایی دهه هفتاد نیز غلبه روایت‌های لیبرال از علوم انسانی تجدیدی بود که از لایه روشنفکری سکولار به دولت راه یافت و سیاست‌های رسمی را به طرف لیبرال‌دموکراسی سوق داد. این سنخ از علوم انسانی، «دیگری معرفتی انقلاب» بود و هر دو رهبر انقلاب، به‌درستی تشخیص داده بودند که با وجود غلبه این نوع از علوم انسانی، انقلاب به آرمان‌هایش نخواهد رسید. انقلاب اسلامی، فرزند تجدید نبود که بتواند بر علوم انسانی تجدیدی تکیه کند و به توصیف‌ها و توصیه‌های آن گردن نهد. این انقلاب، نظام حقیقت دیگری داشت که هرگز، تجدید و علوم انسانی‌اش را بر نمی‌تابید و از اساس، این نوع علوم انسانی را علم نمی‌انگاشت. علوم انسانی تجدیدی، برآمده از خودبنیادی انسان غربی است که دین را به حاشیه زندگی رانده و اعتبار و منزلت معرفتی آن را ساقط کرده

است. روشن است که انقلاب اسلامی، با وجود غایات دینی و الهی، نمی‌تواند تابع و تسلیم این سنخ از علوم انسانی بشود و به احکام و تجویزهای آن گردن بنهد.

سوم]. تعارض‌ها و تضادهای علوم انسانی تجدیدی با افق آرمانی انقلاب، در بسیاری از برهه‌ها و نقطه‌ها آشکار شده است. از جمله نظریه «مردم‌سالاری دینی» که در برابر نظریه «دموکراسی سکولار» به میدان آمد و خواست و اراده مردم را در چهارچوب دین برتابید؛ و نظریه «پیشرفت» که در برابر نظریه «توسعه»، قد برافراشت و توسعه را فرآورده عالم تجدید و تجویزی برای اقماری کردن و پیرامونی‌سازی جوامع غیرغربی دانست؛ و ... تجربه عینی دهه‌های گذشته نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی نمی‌تواند خود را ذیل علوم انسانی تجدیدی تعریف کند و تسلیم اقتضاها و طراحی‌های آن بشود، بلکه باید راه دیگری را در پیش بگیرد که حاصل جوشیدن علوم انسانی از «الهیات» است. علوم انسانی تجدیدی، جایگزین الهیات است و به جای «خدا»، زمام و عنان جامعه و حاکمیت را در اختیار خود «انسان» قرار می‌دهد و عقل و تجربه بشری را در قالب سکولار، اصل می‌انگارد. به این ترتیب، دین جز در گوشه زندگی شخصی، پهنه‌ای را در اختیار ندارد و نمی‌تواند سیاست بیافریند و نظام بسازد. علوم انسانی تجدیدی، علم نیست، بلکه به‌شدت آغشته به ایدئولوژی است و از متن ارزش‌هایی برمی‌خیزد که مصرح نیستند، اما در پشت‌صحنه، حاضر و فاعل هستند و علوم انسانی تجدیدی را می‌آفرینند. انقلاب اسلامی، ادعای دیگری دارد؛ علوم انسانی، ضروری و قهری است، اما علوم انسانی کنونی، گرفتار سکولاریسم است و کمکی به صلاح و سعادت و خیر و حق نمی‌کند، بلکه آدمی را دچار وضعی می‌کند که در آن، گره‌ها و معضله‌ها، کورتر و دشوارتر می‌شوند. از این رو، باید علوم انسانی را از دامن دین برگرفت و تدبیر جهان انسانی و اجتماعی را از دین طلبید. آری، علوم انسانی اسلامی، علوم انسانی نقلی نیست و حقیقت عقل و تجربه را به رسمیت می‌شناسد، اما نه عقل و تجربه سکولار را.

پژوهش سنگ‌بنای توسعه علمی و پیشرفت اجتماعی است

محمد رضا قربانی - محبوبه علی محمدی

بنیادی و پژوهش کاربردی است؛ لذا پژوهش باید از ابتدا مسئله‌محور باشد تا نتایج آن برای مسئله راه‌حلی باشد.

توسعه علمی در گرو پژوهش

دکتر محبوبه علی محمدی، پژوهشگر واحد تحقیقات سازمان صداوسیما نیز در ادامه این برنامه بیان داشت: در عرصه تولید نمی‌توان در هیچ حوزه‌ای به مفهوم توسعه دست‌یافت مگر اینکه قبل از آن پژوهش انجام شده باشد.

وی افزود: یکی از عواملی که در بسط علم مهم است نگاه کشف‌کننده می‌باشد و اکنون انسان نیاز دارد زندگی فردی و اجتماعی خود را توسعه دهد لذا بایستی برای توسعه علم و پیشرفت جامعه پژوهش‌های کاربردی انجام و نتایج پژوهش‌ها در تصمیمات و استراتژی‌ها به کار گرفته شود.

علیمحمدی با تأکید بر اهمیت ایجاد باورمندی به حوزه پژوهش بیان داشت: اگر باور به ارزشمندبودن پژوهش و برداشته‌شدن موانع پژوهش و به‌روزشدن اطلاعات به‌عنوان یک سازوکار در بدنه هر مجموعه‌ای اتفاق بیفتد، آن مجموعه برآیند کار بهتری خواهد داشت.

پژوهشگر واحد تحقیقات سازمان صداوسیما اذعان داشت: انسان امروز در معرض جهانی از اطلاعات قرار دارد و داده‌های پژوهش‌ها می‌تواند برای انسان امروز راهگشا باشد و با هوشمندی از اطلاعات و نتایج داده‌ها استفاده کند.

وی با بیان اینکه امروزه داشتن اطلاعات و آمار و ارقام برای



پژوهش‌های فرهنگی آزاد از دین و تجربه!

احمد حسین شریفی

برخی از مسؤولان فرهنگی را شنیدم که می‌گفتند پژوهش‌های «علم آزاد» می‌گوید دوران مواجهه سخت‌افزارانه با ناهنجاری‌های اجتماعی مثل بی‌حجابی و شراب‌خواری علنی و فسادهای اجتماعی، سپری شده است! اکنون زمان در پیش گرفتن سیاست‌های نرم و فرهنگی با این ناهنجاری‌هاست!

در این خصوص عرض می‌کنم، بنده تاکنون چنین پژوهش‌هایی را ندیده‌ام و نه شنیده‌ام و البته بعید می‌دانم و بلکه محال می‌دانم هیچ پژوهشگر و محقق راستینی چنین ادعای را کرده باشد!

چون

خلاف بدیهیات مطالعات فرهنگی و اخلاقی است.

خلاف همه تجربیات زیسته بشری و همه تجربیات حکمرانی در تاریخ بشر است.

خلاف سبک و سیره حکمرانی معصومان علیهم السلام است. خلاف صریح آموزه‌های دینی است.

هیچ جامعه‌ای را سراغ نداریم تأکید می‌کنم هیچ جامعه‌ای را سراغ نداریم که به صرف تبلیغ و تبیین و روشنگری و به اصطلاح فعالیت فرهنگی، توانسته باشد حتی یک ارزش اجتماعی را نهادینه کرده باشد! حتی در ارزشی مثل «نظم ترافیکی در شهرهای شلوغ»، که به نظر می‌رسد، فهم و رعایت آن از بدیهی‌ترین مسائل انسانی و اجتماعی است، اگر برخوردهای سخت‌افزارانه نباشد، و اگر هزینه‌های هنگفت برای نصب دوربین‌های نظارتی و حضور پلیس و تعیین و اخذ جرایم سنگین مالی و امثال آن نباشد، حتی در مرفی‌ترین کشورها و جوامع، برای یک ساعت هم نمی‌توان از آن حفاظت کرد! کافی است در شهری مثل نیویورک یا پاریس یا لندن فقط یک ساعت برق سراسری قطع شود یا دوربین‌های کنترلی از کار بیفتد آنگاه به تعبیر اصحاب فرهنگ در همان کشورهای غربی «شورش اجتماعی» و «غارت‌گری اجتماعی» رخ می‌دهد!

حال، آن کدام پژوهشگر غیرسفراری و کدام علم آزاد در ایران است که در مسائلی مثل بی‌عفتی اجتماعی، شراب‌خواری علنی، و آسیب‌های اجتماعی مدعی شود که می‌باید و حتی می‌توان با کار فرهنگی و مواجهه نرم‌افزارانه‌ی صرف اقدام کرد؟!

آری کسی که آزاد از دین، آزاد از حقیقت، آزاد از تجربه زیسته بشری و آزاد از عقلانیت باشد ممکن است چنین راه‌حلی را ارائه دهد. و ما البته مجاز نیستیم که عقل و خرد خود را به دست چنین افرادی دهیم که خود را از هفت دولت آزاد می‌دانند!

* رئیس دانشگاه قم



رسیدن به تحلیل و داشتن استراتژی مهم است بیان داشت: برای ایجاد یک تجارت اقتصادی و اجتماعی و سیاسی باید پژوهش انجام شود.

علیمحمدی در ادامه اظهار داشت: در فرایند پژوهش بعد از نظرسنجی به اطلاعات آمار و ارقامی دست می‌یابیم که می‌تواند بسیار ارزشمند باشد و یک سیاست‌گذار هوشمند می‌تواند از اطلاعات و داده‌های پژوهش در جهت شناخت مخاطب و جامعه به‌منظور طراحی استراتژی به نفع خود و مخاطب استفاده کند.

پژوهشگر واحد تحقیقات سازمان صداوسیما با تأکید بر اهمیت تحقیقات و پژوهش بیان داشت: اکنون بسیاری از کشورهایی که ممکن است ایران را معاند خود بدانند تحقیقات وسیعی در مورد نوع نگرش، تصمیم‌گیری‌های سیاسی، فردی، زبان، لهجه و علایق ایرانیان انجام داده‌اند و یک شناخت نسبی از جامعه ایرانی دارند.



رازپیش بینی رهبری از سوریه

محسن مهدیان

رهبرانقلاب یک جمله درباره آینده سوریه گفتند که نباید از کنار آن به سادگی گذشت. فرمودند مناطق اشغال شده سوریه به دست جوانان شجاع آزاد خواهد شد. اساسا به همه متغیرهای کف میدان، یک ضلع جدید به نام جوانان سوری اضافه کردند. این جمله دارای دو پیام است.

۱. اینکه تصویر این روزهای سوریه در رسانه ها را اصلاح می کند. تصویری که عمدتاً توسط متعرضین ساخته می شود تا نشان دهد مردم سوریه از تروریست ها استقبال کردند. این جمله نشان می دهد در لایه های زیرین جامعه سوری، مقاومت زنده است و بزودی علیه جریان غاصب می جوشد.

۲. اما پیام دوم نقش ایران در سوریه است. ابتدا سه فرض کلیدی را در نظام اندیشه ای و نظام محاسباتی رهبر انقلاب مرور کنیم.

اول، سرنوشت هر کشوری را مردم آن کشور رقم می زنند و لاغیر؛ این اصل مردمسالاری است.

دوم، جمهوری اسلامی تا قیام قیامت مقابل ظلم می ایستد و از مظلوم دفاع می کند؛ این وجه لاینفک انقلاب اسلامی است.

سوم، مدل حمایتی جمهوری اسلامی اینست که مقاومت را در دل و ذهن مردم زنده می کند تا مقابل ظالم ایستاده و بر سرنوشت خود مسلط شوند؛ این نیز فلسفه صدور انقلاب است.

فلسفای که برخی آنرا به اشتباه دخالت در دیگر کشورها خواندند. اساسا خود انقلاب اسلامی نیز همینطور شکل گرفت و این معجزه امام بود که مردم را به قیام و مقاومت زنده کرد. یک تحول انسانی که تحول سیاسی را در بهمین ۵۷ رقم زد.

جمع بندی و خلاصه این سه گزاره اینست که ایران در آینده سوریه نقش آفرین خواهد بود و روش دخالت ایران نیز متشکل سازی و حمایت از جوانان سوری در ایستادن مقابل جریان وابسته به صهیونیست ها است. تجربه ای که پیشتر نیز آنرا در دیگر کشورهای محور مقاومت آموخته است. آینده سوریه نیز متعلق به مقاومت خواهد بود.

سایت تحلیلی نیو عرب در مقاله ای نوشت: پیروزی «دونالد ترامپ» در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا برای مردم خاورمیانه تعجب آور نبود. دولت های منطقه برای آن برنامه ریزی کرده و بیش از یک ماه قبل از تحلیف ترامپ، آماده مواجهه با دولت وی هستند.

این بار ترامپ جهت مواجهه با خاورمیانه آماده نیست، زیرا خاورمیانه امروز اساساً با خاورمیانه ای که ترامپ در اولین دوره ریاست جمهوری خود در کاخ سفید با آن روبه رو شد متفاوت است. دو تغییر بزرگ ایران و غزه است.

در دوره اول ترامپ، وی برنامه جامع اقدام مشترک ۲۰۱۵ را برای محدود کردن برنامه هسته ای ایران پاره کرد. «حسن روحانی» میانه رو در آن زمان رئیس جمهور ایران بود و در سال ۲۰۲۱ فردی محافظه کار - مرحوم ابراهیم رئیسی - جانشین وی شد و سپس ریاست جمهوری در اختیار «مسعود پزشکیان» نسبتاً میانه رو قرار گرفت.

حتی قبل از روی کار آمدن پزشکیان، ایران درگیر برقراری روابط نزدیک با همسایگان عرب خود بود و روابط دیپلماتیک خود را با رقیب بزرگ منطقه ای خود، عربستان سعودی در مارس ۲۰۲۳ جهت کاهش تنش ها و تقویت ثبات در منطقه احیاء کرد.

کارزار وحشیانه اسرائیل علیه غزه به عنوان انتقام از حمله حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ آغاز شد، اما اکنون باعث سطح وحشتناکی از مرگ و میر غیرنظامیان، آوارگی و رنج شده است. با میانجیگری ایالات متحده آمریکا و فرانسه برای آتش بس در لبنان، به نظر می رسد که کمیون اسرائیل علیه حزب الله قبل از مراسم تحلیف ترامپ به پایان رسیده باشد.

اما پیش بینی اینکه آیا توافق صلح در لبنان دستیابی به توافقی مشابه در غزه را آسان تر یا دشوارتر می کند، دشوار است، به ویژه به این دلیل که ترامپ هیچ موضع روشنی در مورد این مسائل ندارد.

فهمیدن رویکرد «جو بایدن»، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا آسانتر بود. وی وزیر امور خارجه اش مقدار مشخصی از توشه ایدئولوژیک صهیونیستی را حمل می کنند.

در حالی که دولت بایدن از اسرائیل خواسته است تهاجم خود را متوقف کند و تهدید کرده است که در صورت عدم بهبود شرایط برای غیرنظامیان در غزه، از کمک رسانی به تل آویو خودداری می کند اقدامات اسرائیل را منطقی جلوه داده و به تامین تسلیحات آن ادامه داده است. حتی پس از آتش بس در لبنان، دولت بایدن در حال پیشبرد فروش ۶۸۰ میلیون دلاری تسلیحات به اسرائیل است.

این امر ما را به تغییر دیگری نسبت به زمان خروج ترامپ از کاخ سفید می رساند: هم چین و هم روسیه روابط خود را با ایران و با یکدیگر تقویت کرده اند. در حالی که ترامپ همیشه نسبت به چین و ایران خصمانه بود، اما در دوره اول ریاست جمهوری خود با «ولادیمیر پوتین»، رئیس جمهور روسیه نوعی رابطه دل بستگی داشت.

در حالی که به نظر می رسد وی مشتاق است تنش زدایی در اوکراین و خاورمیانه را مستقیماً با پوتین هماهنگ کند، باید مجموعه جدیدی از پویایی روابط را دنبال کند. باید گفت

از نیل تا کاخ سفید

روند تنش زدایی در خاورمیانه دشوار خواهد بود. ترامپ نیز ترجیح مشابهی برای منافع اسرائیل نشان داده است. در طول اولین دوره ریاست جمهوری خود، وی برای انتقال سفارت آمریکا در اسرائیل به بیت المقدس تلاش کرد و حاکمیت اسرائیل بر بلندی های جولان اشغالی را به رسمیت شناخت.

ترامپ همچنین روند عادی سازی روابط اعراب و اسرائیل را آغاز کرد و اسرائیل به اصطلاح توافقنامه ابراهیم را با امارات متحده عربی، بحرین، مراکش و سودان در سال های ۲۰۲۰-۲۱ امضا کرد.

ترامپ قصد دارد تعداد زیادی از شخصیت های طرفدار اسرائیل را در دولت جدید خود بگنجانند. اما وقتی صحبت از جنگ در غزه می شود، فقدان تعهدات ایدئولوژیک ثابت وی نشان می دهد خواهان دستیابی به یک معامله است. معامله ای که به نظر می رسد برای فلسطینی ها بد خواهد بود، نه تنها به دلیل تمایل دولت ترامپ به طرفداری از اسرائیل بلکه به این دلیل که معاملات با میانجی گری خارجی تمایل به منعکس کردن توازن قدرت در زمین دارند، که به وضوح به نفع اسرائیل است.

فلسطینی ها حتی از حمایت شدید کشورهای عربی نیز برخوردار نیستند، اگرچه عربستان سعودی اعلام کرده است تا زمانی که یک کشور مستقل فلسطینی در مرزهای ۱۹۶۷ ایجاد نشود، روابط دیپلماتیک با اسرائیل برقرار نخواهد کرد. پیمان ابراهیم تحت فشار است، اما فروپاشیده نشده است.

اما توافقی که ترامپ منعقد می کند ممکن است برای اسرائیلی ها هم چندان عالی نباشد. ترامپ از بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل که پس از پیروزی بایدن در انتخابات ۲۰۲۰ به وی تبریک گفت، کینه ای به دل دارد. برای رئیس جمهوری که بارها قول داده است دشمنان خود را هدف قرار دهد، این کینه کارساز خواهد شد.

به نظر می رسد محتمل ترین سناریو پایان دادن به جنگ فعلی و بازگشت به وضعیت پیش از ۱۷ اکتبر باشد، نه هر گونه فشار برای راه حل سیاسی گسترده تر.

اما غیرقابل پیش بینی بودن ترامپ و شخصیت های طرفدار اسرائیل در دولت وی بسیاری را در منطقه نگران کرده است که وی ممکن است به الحاق

بخشی از کرانه باختری به اسرائیل چراغ سبز نشان دهد یا حتی با ایجاد شهرک های صهیونیستی در غزه موافقت کند. ترامپ قبلاً تلاش کرده بود توافق طرفدار اسرائیل را مهندسی کند و طرح صلح خاورمیانه خود را منتشر کرد، اما آنچه او «معامله قرن» نامید به طرز بدی شکست خورد.

مشکلی که اکنون باید کاملاً آشکار شود این است که وقتی فلسطینی ها هیچ چشم اندازی برای راه حل دو کشور نمی بینند، در نهایت وارد عمل می شوند. بنابراین، حتی اگر ترامپ برای بازگشت به وضعیت موجود مذاکره کند، بعید است که برای مدت طولانی ادامه یابد.

وقایع سوریه و یک ردپا

محمد مهدی عباسی



همچنین مجری و کارشناس اسکای نیوز عربی در گفتگوی جدیدی سرکرده های گروه های تروریستی حاضر در سوریه را وابسته به آمریکا و غرب معرفی کرد و گفت: «آخباری وجود دارد مبنی بر این که مستشاران نظامی از شرق اروپا مشغول آموزش اعضای تحریرالاشام بوده اند. الجولانی از قدیم بین اعضای القاعده به جاسوس آمریکا مشهور بوده است.» لری جانسون، تحلیلگر پیشین سازمان سیا نیز به تازگی در مصاحبه ای وقایع اخیر منطقه را برنامه غرب برای گسترش جنگ اوکراین عنوان کرد و گفت: «می دانید که نظامیان اوکراینی در سوریه در کنار نیروهای تحریرالاشام حضور دارند. فکر می کنید چگونه به آنجا رسیده اند؟ آمریکا و انگلیس به این امر کمک می کنند و این کار را انجام می دهند!» موضوعی که همگی بیانگر طراحی پیچیده یک اتاق فکر مشترک آمریکایی-اسرائیلی برای آینده سوریه و منطقه غرب آسیاست. بمباران ۷۵ نقطه زیرساختی و حیاتی سوریه توسط آمریکا، بمباران صدها نقطه نظامی و حساس سوریه توسط رژیم صهیونیستی و اخبار شتاب زدگی دولت آمریکا برای برداشتن جایزه ۱۰ میلیون دلاری دستگیری سکرده گروه تحریرالاشام، شواهد مهمی از این طراحی خطرناک است.

عجیب تر اینجاست که رسانه های آمریکا نیز این روزها همسو با دولت این کشور مشغول سفیدشویی و مخفی نگه داشتن جنایات گروه های تروریستی داخل سوریه هستند. رسانه هایی که عاقدانه بدون توجه به تجزیه سوریه و ماهیت تروریستی شورشیان، از یک انقلاب تماماً مردمی در این کشور سخن می گویند! اما فارغ از منافع امنیتی و سیاسی جنگ داخلی سوریه برای ایالات متحده و متحد اصلی اش یعنی رژیم صهیونیستی، نباید از کنار منافع اقتصادی این وضعیت برای آمریکا نیز گذشت. منافعی که موجب

آمریکا و وزیر بهداشت احتمالی دولت دوم ترامپ چند ماه قبل در مصاحبه با رسانه العربیه گفت: «ما داعش را ایجاد کردیم. ما راه انداختن جنگ در سوریه ۲ میلیون پناهنده را راهی اروپا کردیم» یا مت گیتس، نماینده کنگره آمریکا چند سال قبل در سخن کنگره به حمایت ایالات متحده از شورشیان سوری اعتراف کرد و گفت: «گاهی اوقات شورشی هایی که ما برای جنگ با اسد در سوریه حمایت و تأمین مالی می کردیم، برمی گشتند و پرچم داعش را بلند می کردند. بنابراین احماقانه است که بگوییم برای متوقف کردن داعش باید در سوریه باشیم، در حالی که حضور ما در سوریه در برخی موارد بهترین هدیه برای داعش بوده است!» علاوه بر این؛ برخی از سفرای سابق بریتانیا همچون کریگ موری، در موضع گیری جدیدی تحولات اخیر سوریه را نه یک «انقلاب» بلکه یک «دخالت خارجی» توسط آمریکا برای برهم زدن ثبات منطقه نامید.

تحلیلگران و کارشناسان بین المللی نیز در تبیین این موضوع اظهار نظرهای متعددی داشته اند. به طور مثال جفری ساکس، استاد مشهور دانشگاه کلمبیا چند روز قبل در مصاحبه ای صریحاً به نقش آمریکا در اتفاقات این روزهای سوریه اشاره کرد و گفت: «این وضعیت امروز سوریه نتیجه سیاست های ایالات متحده و اسرائیل است که به طور عمدی حکومت های مختلف را یکی پس از دیگری سرنگون کرده اند و نه تنها ویرانی، بلکه یک منطقه وسیع از بی ثباتی را به جا گذاشته اند... جهادگران سنی از سال ۱۹۷۹ تاکنون توسط ایالات متحده حمایت شده اند. در موارد متعددی از جمله در بالکان، بوسنی، خاورمیانه و افغانستان... بسیار مهم است که همه بفهمند ایالات متحده عملاً از سال ۲۰۰۱ به خواست اسرائیل در حال جنگ دائمی در خاورمیانه بوده است.»

رهبر معظم انقلاب در دیدار اقشار مختلف مردم که روز چهارشنبه ۱۴۰۳/۹/۲۱ برگزار شد، درباره وضعیت سوریه فرمودند: «نباید تردید کرد که آنچه در سوریه اتفاق افتاد، محصول یک نقشه ی مشترک آمریکایی و صهیونیستی است؛ بله، یک دولت همسایه ی سوریه نقش آشکاری را در این زمینه ایفا کرده، الا ن هم ایفا میکند - این را همه می بینند - ولی عامل اصلی آنها هستند؛ عامل اصلی، توطئه گر اصلی، نقشه کش اصلی، اتاق فرمان اصلی در آمریکا و رژیم صهیونیستی است. قرائنی داریم؛ این قرائن برای انسان جای تردید باقی نمی گذارد.»

آتش جنگ داخلی سوریه که در سال ۲۰۱۱ شعله ور شد، به سرعت به میدان مداخله قدرت های جهانی تبدیل شد. مهمترین قدرت جهانی که در این بحران نقش کلیدی و مهمی داشت، ایالات متحده آمریکا بود. ایالات متحده ای که در این سالها با شعار حمایت از دموکراسی خواهان سوری وارد میدان شد، اما در عمل دست به حمایت و پشتیبانی از گروه هایی زد که ماهیتی کاملاً تروریستی داشتند. چه در سال های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ که با ایجاد یا دست کم حمایت پشت پرده از گروه تروریستی داعش، سوریه را به ورطه آشوب و ناامنی کشاند، چه این روزها که با طراحی یک جنگ داخلی جدید و تقویت مخفیانه تروریست های وابسته به گروه القاعده، به دنبال تجزیه سوریه است. شاید سالها قبل سخن گفتن از حمایت های آمریکا از گروه های تروریستی مسلح برای بسیاری یک «تئوری توطئه» به نظر می آمد، اما طی سالیان اخیر بسیاری از سیاستمداران غربی به این موضوع اذعان کرده اند و حال ارتباط دولت آمریکا با تروریست ها در منطقه، یک واقعیت عیان است.

به طور مثال رابرت اف کندی، نامزد انتخابات ریاست جمهوری

تصویب قطعنامه علیه اسرائیل

مجمع عمومی سازمان ملل ۳ قطعنامه علیه اسرائیل به تصویب رساند

مجمع عمومی سازمان ملل متحد روز پنجشنبه در ۳ قطعنامه مجزا اقدامات رژیم صهیونیستی را محکوم کرد تا این رژیم ۱۷ قطعنامه انتقادی این مجمع در سال ۲۰۲۴ میلادی را به نام خود ثبت کند.

در یکی از قطعنامه هایی که با ۱۳۷ رأی موافق، ۱۲ رأی مخالف و ۲۲ رأی ممتنع به تصویب رسید مجمع عمومی خواستار نظر مشورتی دیوان بین المللی دادگستری درباره وظایف اسرائیل در خصوص کمک های ارسالی از سوی کشورها و نهادهای بین المللی به فلسطینی های نیازمند شده است.

در قطعنامه دوم، رژیم اسرائیل به دلیل سوءاستفاده از منابع طبیعی فلسطینی ها مورد انتقاد قرار گرفته است. این قطعنامه با ۱۶۲ رأی موافق، ۸ رأی مخالف و ۱۰ رأی ممتنع به تصویب رسید.

قطعنامه سوم از رژیم صهیونیستی می خواهد مسئولیت نشت نفت در سال ۲۰۰۶ را که در نتیجه حمله اسرائیل به مخازن ذخیره نفت لبنان و سایر کشورهای آسیب دیده ایجاد شد را بر عهده گرفته و بابت این آسیب ها اقدام به پرداخت غرامت کند.

قطعنامه سوم با ۱۶۷ رأی مثبت، ۹ رأی مخالف و ۶ رأی ممتنع به تصویب اعضای مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید.

شده آمریکا همواره در تلاش برای محکم تر کردن جای پای خود در منطقه غرب آسیا باشد. دونالد ترامپ، رئیس جمهور منتخب آمریکا چند سال قبل در مصاحبه با فاکس نیوز به این موضوع اعتراف کرد و گفت: «من نیروهایی را در سوریه گذاشتم تا نفت را تصاحب کنند. من نفت (سوریه) را تصاحب کردم. نیروهایی که در سوریه داریم، تنها در حال تصاحب نفت آنجا هستند. آنها از نفت (سوریه) محافظت می کنند.»

رهبر معظم انقلاب در دیدار اخیر خود با آحاد مردم، به نقش آشکار ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی در اتفاقات اخیر سوریه اشاره کردند و فرمودند: «آنچه در سوریه اتفاق افتاد، در اتاق فرمان آمریکا و اسرائیل طراحی شده است، برای این قرائنی داریم. این قرائن برای انسان جای تردید باقی نمی گذارد.» طراحی که بدون شک با خطای محاسباتی دولت آمریکا از توان محور مقاومت همراه است و همچون تمامی نقشه های آمریکا در این چند دهه، با شکستی قطعی مواجه خواهد شد.



صادرات نفت ایران دوباره افزایش شد

محمدایمانی

صادرات نفتی ایران که اندکی فروکش کرده بود، مجدداً افزایش یافته است. وسایط رادیو فردا در گزارشی نوشت: صادرات نفت ایران به رغم افت و خیزها در ماه‌های گذشته، در آستانه آغاز به کار دولت دونالد ترامپ و احتمال اعمال مجدد سیاست «فشار حداکثری» علیه جمهوری اسلامی، دوباره احیا شده است. صادرات روزانه نفت ایران به چین در ماه نوامبر با اقیانوس نیم میلیون بشکه‌ای نسبت به پایان تابستان، به حدود یک میلیون و ۳۱۰ هزار بشکه سقوط کرد، اما آمار شرکت اطلاعات کالا نشان می‌دهد که تحویل نفت ایران به چین در ماه دسامبر دوباره اوج گرفته است.

ایران در نیمه اول ماه جاری روزانه یک میلیون و ۸۸۶ هزار بشکه نفت تحویل چین داده که بالاترین میزان از سال ۲۰۱۸ است. در مجموع، بر اساس آمارهای کپلر، ایران در سال ۲۰۲۴ به‌طور متوسط روزانه یک میلیون و ۵۱۲ هزار بشکه نفت تحویل چین داده که ۳۴ درصد بیشتر از سال گذشته و دو برابر سال ۲۰۲۲ است. صادرات نفت ایران در سال ۲۰۱۷ و قبل از خروج آمریکا از برجام و اعمال تحریم‌های نفتی علیه جمهوری اسلامی حدود ۲.۵ میلیون بشکه بود، اما در آخرین سال ریاست جمهوری دونالد ترامپ در سال ۲۰۲۰ به زیر ۳۴۰ هزار بشکه سقوط کرد.

رادیو فردا در پایان خاطر نشان کرد: در هر حال، به رغم تلاطم در صادرات نفت ایران طی چند ماه گذشته، ایران در ماه دسامبر صادرات به چین را احیا کرده است. پالایشگاه‌های کوچک و مستقل چینی، موسوم به «تی‌تی» تنها مشتریان نفتی ایران هستند و البته نفت ایران را از طریق واسطه‌ها و تحت عنوان نفت عراق، عمان، امارات و خصوصاً مالزی خریداری می‌کنند.

قانون جهش تولید مشکلات مسکن مهر را پشت سر گذاشت

ایرج رهبر-سعید لطفی



ایرج رهبر با حضور در استودیوی پخش زنده برنامه گفتگوی اقتصادی رادیو گفت‌وگو با اشاره به نقش قانون جهش تولید مسکن در بازار این حوزه اظهار کرد: قوانین بسیاری برای ساخت و تولید مسکن داشتیم و طرح‌هایی هم از سوی دولت‌های مختلف اجرایی شده است.

با مصوبه هیئت وزیران مسکن مهر از سال ۸۶ شروع به کار کرد و تا این اواخر ادامه داشت تا مجلس گذشته قانون جهش تولید مسکن را مصوب کرد.

وی افزود: مسکن مهر یک‌سری مشکلات داشت و موانعی را برای تولید به وجود آورد که مالیات و بیمه و... شامل آن می‌شد و برای رفع این مشکل قانون جهش تولید مسکن از سوی مجلس مصوب و تکلیف تا حدودی مشخص شد؛ چون منابع مالی این مسکن حمایتی معین است.

رهبر در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو تصریح کرد: بدین منظور صندوقی را تعریف کردند که از محل درآمدهای زمین، املاک، مالیات و... ذخیره‌سازی کند و برای تولید مسکن مصرف نماید.

مسئله دیگر در این قانون رفع مشکلات مسکن مهر از نظر جانمایی و... می‌باشد.

وی ادامه داد: تکلیف دیگر برای دولت مشخص شد که باید سالانه یک میلیون واحد مسکونی را بسازد. یعنی با ۴ میلیون واحد مسکونی در دوره ۴ ساله عمر دولت ساخته شود.

رهبر همچنین درباره روند اجرای قانون گفت: برای اجرای این قانون باید سه مقوله را در نظر بگیریم؛ یکی زمین است و دولت باید زمین بدون معارض و آماده شده را به‌صورت اجازه ۹۹ سال در اختیار این طرح بگذارد.

مسئله دیگر مالی است و صندوقی برای آن تعریف شد و موضوع دیگر مدیریت است؛ یعنی وقتی مجلس این قانون را مصوب و دولت باید آن را اجرا کند، مدیرانی باید توانایی اجرای این طرح بزرگ را داشته باشند.

وی ادامه داد: مسکن ۳۵ درصد کل اقتصاد کشور را تشکیل می‌دهد و لذا اثرات این طرح بسیار قابل لمس است؛ چون وقتی ساختمان ۳۵ درصد در اقتصاد کشور سهم دارد، یعنی ۱۸۰ رشته تولیدی و ساختمانی به مسکن باز می‌گردد و کارخانه‌هایی نیز به پشتوانه این صنعت فعالیت می‌کنند.

پس از بهره‌برداری هم برای آماده‌سازی یک واحد مسکونی به تجهیزات بسیاری نظیر لوازم خانگی و... نیاز داریم و همه این اشتغال‌ها به مسکن و این بازار باز می‌گردد.

در ادامه سعید لطفی دبیر و عضو هیئت رئیسه اتحادیه املاک تهران اظهار کرد: دولت تمایل دارد همه کارها را به تنهایی انجام دهد و هیچ اعتمادی به بخش خصوصی ندارد.

وی با بیان این مطلب افزود: دولت بخش خصوص را همراه نکرده و جایگاهی نیز در اختیار آن قرار نمی‌دهد.

لطفی عامل اصلی گرانی مسکن را بانک‌ها دانست و افزود: بانک‌ها باید وام دهند؛ ولی خود به یک بنگاه اقتصادی بزرگ تبدیل شدند.

وی تصریح کرد: بانک‌ها از خدا می‌خواهند مسکن گران شود؛ چون هر یک شمار بالایی آپارتمان دارند و هیچ نهاد نظارتی هم بر این رویه نظارت ندارد. چون بانک‌ها باید پول در حسابشان باشد نه سرمایه ملکی و ما نباید در این زمینه کوتاهی کنیم.

لطفی افزود: بسیاری افراد مشاوران املاک را عامل گرانی مسکن می‌دانند؛ ولی باید دید آیا بانک‌ها به انبوه سازمان امکانات و تسهیلات برای ساخت می‌دهند؟!



خرد شدن مردم زیر پای نسخه جراحی همتی!

تصمیمات ارزی این روزهای دولت با مدیریت عبدالناصر همتی، وزیر امور اقتصادی و دارایی صدای اقتصاددانان بسیاری را درآورده است و حتی حامیان اقتصادی رییس جمهوری نیز زبان اعتراض گشوده‌اند که الان چه وقت انجام چنین کارهایی است.

تصمیماتی که به اسم جراحی اقتصاد و اصلاح ناترازی و سایر چیزها گرفته و عملیاتی شده‌اند و در کلام هدفشان بهبود اوضاع اقتصادی کشور و مردم است اما در واقع چون پیوست عادلانه‌ای در کار نیست، تنها منتج شده به اعمال سیاست رهاسازی قیمت‌ها و گران کردن تعرفه‌ها. سیاستی که در حداقلی ترین حالت شاهد ۳۰ درصد افزایش تعرفه آب، برق و گاز هستیم اما میزان افزایش حقوق سال آینده تنها ۲۰ درصد خواهد بود.

همین امر یعنی فقیرتر شدن مردم و تعمیق شکاف طبقاتی و به اصطلاح خرد شدن مردم زیر پای نسخه جراحی همتی! تک نرخی شدن ارز رانت و فساد را اصلاح می‌کند، اما اگر دولت ساختار درست و منسجمی برای همان ارز ترجیحی هم درست می‌کرد، امکان نظارت و جلوگیری از رانت همچنان وجود داشت. متأسفانه در کشور ما سیاست‌گذاران و مدیران اجرایی به وظایف خود عمل نمی‌کنند و برای مثلاً جبران سهل‌انگاری‌های قبلی، سیاست جدیدی اتخاذ می‌کنند که دودش به چشم مردم می‌رود. در فقره جدید هم جز این نیست و سود برای شرکت‌های خصوصی است که ارزشان را گران می‌فروشند و ضررش برای مردمی است که لحظه به لحظه ارزش پولشان کمتر می‌شود.

اکنون که این مطلب نوشته می‌شود، دلار سقف ۷۵ هزار تومان را رد کرده و در حال حرکت صعودی است و به نظر نمی‌رسد با سیاست جدید آقایان، قرار باشد اقدامی برای کنترل آن صورت بگیرد. دولت به جای صرفه‌جویی هدفمند و کنترل منابع و هدایت آن‌ها به جای درست، تصمیم گرفته است تا برای راحت کردن خیالش، همه چیز را رها کند تا به اصطلاح بازار راه خود را پیدا کند و دیگر هزینه‌ای برای کنترل نیاز نباشد. اما همین حضرات یادشان رفته که اعمال این سیاست زمانی ممکن است که شما ساختار را اصلاح کرده باشید و بی‌ریزی مناسسی صورت گرفته باشد، نه اینکه بر روی ششزار یک ساختمان کج و ضعیف را بنا کنید.

جذب‌دهنده سرمایه‌گذار خارجی نیازمند تعریف استراتژی است

مرتضی بهرامی-سعید اشتیاقی



وی بهبود قوانین و ثبات سیاسی و اقتصادی را برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی بسیار مهم و ضروری دانست و افزود: ما باید تکلیف خود را در قبال شرکای تجاری خود مشخص کرده و طرح جدیدی داشته باشیم.

عضو هیئت‌مدیره اتاق مشترک بازرگانی ایران و چین گفت: عدم ثبات ارزی و عدم تخصیص به‌موقع ارز به تجار باعث شده که شرکای تجاری بی‌اعتماد شوند و گرنه بازار برای شرکای تجاری ما بازار بسیار جذابی است.

اشتیاقی با بیان اینکه کشور چین رتبه اول سرمایه‌گذاری را در ایران دارد و عدد و رقم بالایی را در حوزه سرمایه‌گذاری در ایران به خود اختصاص داده است اظهار کرد: میزان سرمایه‌گذاری کشور چین در عربستان ۲۲.۵ میلیارد دلار بوده و در امارات و کویت نیز به ترتیب ۱۹.۳ و ۴.۶ میلیارد دلار و ۴.۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کرده؛ اما میزان سرمایه‌گذاری چین در ایران تقریباً ۲.۵ میلیارد دلار است.

معاون مدیرکل سازمان سرمایه‌گذاری خارجی وزارت اقتصاد با بیان اینکه اهداف جذب سرمایه‌گذاری خارجی از منظر بخش خصوصی و دولتی کاملاً متفاوت از یکدیگر است گفت: رویکرد بخش خصوصی صرفاً تأمین مالی و ایجاد بازار است؛ اما از منظر دولتی و حکومتی اهداف دیگری مانند پدافند غیرعامل، اشتغال، توسعه بازار، ایجاد رقابت سالم و کاهش ناترازی تجاری مطرح است؛ بنابراین اگر رویکردمان تأمین مالی باشد باید در مباحث مرتبط با تأمین مالی سیاست‌گذاری کنیم در غیر این صورت باید برنامه منسجمی برای جذب کشورهای ارجح و همسایه و همسو تعریف شود.

بهرامی اظهار کرد: ما علاوه بر قانون سرمایه‌گذاری خارجی که یکی از مترقی‌ترین قوانین این حوزه در منطقه محسوب می‌شود، شیوه‌های مختلف سرمایه‌گذاری و روش‌های ورود سرمایه به کشورمان را هم در اختیار داریم.

معاون مدیرکل سازمان سرمایه‌گذاری خارجی وزارت اقتصاد از تدوین دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های قانون «تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها» خبر داد و گفت: ماده ۲۰۵ این قانون، سازمان سرمایه‌گذاری را مکلف به ایجاد «سامانه جامع اطلاعات سرمایه‌گذاری کشور» کرده که مطالعات آن انجام شده و اگر محقق شود قطعاً جذب و تسهیلگری در حوزه سرمایه‌گذاری تا اندازه قابل‌قبولی افزایش خواهد یافت.

در ادامه بهرامی، سعید اشتیاقی عضو هیئت‌مدیره اتاق مشترک بازرگانی ایران و چین با اشاره به اینکه در حال حاضر خریدار اصلی نفت ایران، کشور چین است اظهار کرد: با وجود اینکه شریک تجاری کشورمان یعنی چین همه‌جا پشت ما بوده؛ اما اتفاق خاصی هم در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی رخ نمی‌دهد.

دکتر مرتضی بهرامی معاون مدیرکل سازمان سرمایه‌گذاری خارجی وزارت اقتصاد در مصاحبه با برنامه «گفتگوی اقتصادی» رادیو گفت‌وگو اظهار کرد: طبق آمارهای مربوط به سال ۲۰۲۳، جذب سرمایه‌گذاری خارجی در دنیا با ۲ درصد کاهش نسبت به سال قبل به حدود ۱.۳ دهم تریلیون دلار رسید.

وی افزود: اگرچه سرمایه‌گذاری خارجی در دنیا روند کاهشی داشته؛ اما در حوزه‌هایی مانند اقتصاد دیجیتال و انرژی‌های تجدیدپذیر یک‌روند افزایشی را تجربه کرده است.

معاون مدیرکل سازمان سرمایه‌گذاری خارجی وزارت اقتصاد با اشاره به اینکه کشورهای درحال توسعه به دنبال تسهیلگری و جذب سرمایه‌گذاری خارجی هستند گفت: طبق آمار و گزارش جهانی سرمایه‌گذاری جهانی، بیشترین تلاش و تمرکز کشورهای درحال توسعه بر موضوع تسهیلگری بوده به‌طوری‌که می‌توان گفت این کشورها ۳۹ درصد تلاش خود را بر همین موضوع معطوف کردند، همچنین ۳۳ درصد فعالیت‌های خود را به مشوق‌های سرمایه‌گذاری خارجی، ۱۴ درصد را به فعالیت‌های تشویقی و ۱۲ درصد را هم به حوزه آزادسازی و موضوعات دیگر اختصاص دادند.

بهرامی از تقاضای سرمایه‌داران خارجی برای سرمایه‌گذاری در ایران در حوزه‌های نفت، انرژی، صنعت، گردشگری، ساختمان، کشاورزی، معدن و حمل‌ونقل و ارتباطات و خدمات و بورس طی شش‌ماهه اول امسال خبر داد و تصریح کرد: تمایل سرمایه‌گذاران برای حضور در عرصه‌های سرمایه‌گذاری خارجی قطعاً متأثر از محیط کسب‌وکار است.

وی یکی از مهم‌ترین عوامل ارتقا و بهبود فضای سرمایه‌گذاری خارجی در کشور را بحث شفاف‌سازی قوانین و مقررات عنوان کرد و افزود: در حال حاضر یکی از چالش‌ها بحث جذب هدفمند سرمایه‌گذار خارجی است و نیاز به تعریف یک استراتژی مشخص داریم.

زیانی که جبران ندارد



سیر صعودی تغییر کاربری اراضی کشاورزی شمال

رئیس کل دادگستری مازندران گفت: در حوزه مقابله با تغییر کاربری‌های غیر مجاز اراضی در استان مجموعاً ۶۹۲ قطعه زمین به مساحت ۶۳ هزار و ۵۷۷ هکتار در ۶ ماهه نخست سال جاری شناسایی شده است. بنابر اظهارات یک ماهه اخیر صفدر کشاورز، سخنگوی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور درباره روند اجرای قانون جامع حدنگار، از مجموعه ۱۶۴ میلیون هکتار اراضی کشور ۸۸ درصد حدنگاری و اسناد مالکیت صادر شده است. این ۸۸ درصد در ۴ عرصه اصلی به صورت یکسان نیست در عرصه‌های ملی، زراعی، شهری و روستایی متفاوت است.

ترانه خوب، موسیقی را از تونل تاریخی زمان عبور می دهد و ماندگار می کند

غلامرضا طریقی



بهرتری داشتیم. در واقع آن چند هزار تایی که از بین رفته اند، شمرده نمی شوند. سه راس آهنگساز، ترانه سرا و خواننده، یک موسیقی ماندگار را شکل می دهند و در هر دوره تعدادی از تهیه کنندگان موسیقی هستند که فارغ از نگاه تجاری، دغدغه موسیقی خوب دارند و در هر سه راس یعنی به دنبال ارتقا و کیفیت هستند.

■ **دلیل اینکه خواننده و آهنگساز به دنبال ترانه جدی نیست را وابسته در چه عواملی می دانید؟**

بعضی اوقات مسئله به خنده داری پول است و تهیه کننده فکر می کند که در تولید ده قطعه اگر قرار باشد پولی هم به ترانه سرا بدهد سود دهی کمتر خواهد شد به همین دلیل خواننده خودش دست به کار می شود و با این فکر که ترانه گفتن کاری ندارد چند خطی می نویسد. آسیب بعدی اینکه همین حالا تعدادی از افراد در ساخت موسیقی ایرانی حضور دارند که نام ترانه سرا بر رویشان است اما از الزامات و دانش ترانه سرایی کاملاً بی بهره اند و فارغ از معنا، متن ترانه هایشان مملو از غلط است و حتی به افعال ماضی و مضارع در متن اشرافی ندارند. اینها کسانی هستند که تنها توانسته اند خودشان را به گروه های موسیقی معرفی و برای خودشان جایی دست و پا کنند و از طرفی آهنگساز به دلیل عدم شناخت و نگذاشتن این زمان که به دنبال یک ترانه سرای جدی باشد کارش را با همین اشخاص ادامه می دهد.

■ **و اما برای اینکه این آگاهی ایجاد شود، چه باید کرد؟**

واقعیت این است که در موسیقی به مثابه صنعت ۹۰ درصد مواقع تنها پول مهم است و فرقی نمی کند که چه محتوایی را به جامعه تزریق می کند، اما در این بین در هر دوره یک طیف مختصر وجود دارند که به دنبال موسیقی خوب و ماندگار هستند و در نهایت این طیف تعیین کننده مسیر موسیقی در ایران هستند. آنها به تمام اجزاء موسیقی که یکی از آنها ترانه است، توجه خاص و دقیق دارند و بار موسیقی را از یک دهه به دهه بعدی انتقال می دهند. بقیه نهایتاً مهمان های موقت و چند ساله ای هستند که خیلی محل چالش و بحث در موسیقی جدی ایرانی نیستند. ما در همه چیز دچار ابتذال هستیم، منظور از ابتذال به معنی وفور و ارزش افتادن است. در گذشته یک نفر باید متحمل رنجی چندین ساله می شد و از چندین مرحله عبور می کرد تا به عنوان یک شاعر، ناشری را برای چاپ کتاب شعرش پیدا کند. اما در طول این دهه الی پانزده سال اخیر شرایطی فراهم شده که با پرداختن هزینه انتشار، عمده ناشران آثار شما را چاپ می کنند و حتی برایشان مهم نیست که وزن شعر شما درست است یا غلط! همین طور در مجوز دادن هم مسائل ساختاری در شعر سنجیده نمی شود و اگر به فضای مجازی نیم نگاهی داشته باشیم چندین هزار نفر خود را در کسوت شاعر و نویسنده معرفی می کنند در حالی که نهایتاً دارای یک طبع مزورن پرورش ندیده اند و احساس می کنند دلنوشته هایشان همان شاعری است. همین نسبت در هنرهای دیگر چون موسیقی، خوانندگی و سینما هم وجود دارد و با توجه به اینکه تجهیزات و امکانات برای همه فراهم آمده است، جلوگیری از آن اجتناب پذیر است.

داده ام اما برای من همواره غزل قالب اصلی است. در واقع هیچگاه اراده و نیتی نبوده که ترانه و تصنیف بنویسم. من به اقتضای آنکه به شنیدن موسیقی علاقه زیادی داشتم و اکثر دوستانم در همین حوزه هستند به این کار کشیده شدم و به همین شکل کارهای بعدی از دل هم پیش آمد، البته هر دو ساحت برای من قابل احترام هستند. تصنیف و ترانه طیف دیگری از مخاطبان را برابرم فراهم کرده که هیچگاه در شعر نداشتم.

■ **به نظر می رسد در شکل گیری یک آهنگ، نقش ترانه سرا زیر سایه سنگین خواننده گاهی گم می شود.**

در همه دوره ها این مسئله کاملاً قابل لمس است و معمولاً از میان صدها ترانه سرا در هر دوره، تنها کسانی که بسیار شاخص بوده اند نامشان سر زبان ها می افتد. یعنی ترانه سرای خاصی چون اردلان سرفراز و عطایی در دوره خودشان خیلی شناخته شده نبودند و بعد از گذشتن زمان با ماندگار شدن آهنگ و به واسطه شعر خوب، نامشان در ذهن مخاطب متوسط ته نشین شده است. همین حالا هم این اتفاق می افتد و از میان انبوه ترانه سرایان نام افشین یداللهی، روزبه بمانی، حسین صفا و... به عنوان ترانه سرایان جدی شناخته شده است آن هم به واسطه آثار متعدد و کیفیت کاری شان در طولانی مدت. بنابراین این مسئله نه تنها در موسیقی بلکه در سایر هنرها نیز دیده می شود و طبیعی است. در ساخت یک موسیقی ترانه سرا مولف اول و آخر نیست، بلکه عضوی از یک تیم است که باید منعطفانه با گروه تولید تا نهایتی شدن آلبوم کنارشان باشد و گاهی سلیقه شخصی خود را برای نهایتی شدن اثر تغییر دهد.

■ **برخی خوانندگان بر طرفدار ایرانی از اشعار پر مغزی در آثار خود استفاده نمی کنند، شما این آسیب را در هنر شعر و موسیقی ایرانی با توجه به گستره دامنه گیری که در فرهنگ دارد چگونه تلقی می کنید؟**

این یک مسئله کاملاً جدی است، چرا که متن ترانه و شعر خوب ۴۰ درصد از موفقیت یک اثر را تضمین می کند. در طول ۲۵ سال گذشته خوانندگان و آهنگسازان فوق العاده ای داشتیم که به صورت مقطعی ستاره دوران خود بودند اما با گذشت ۱۰ الی ۱۵ سال حتی نامی هم از آنها باقی نمانده است طوری که امروز نمی دانند که اگر کنسرتی بگذارند کسی بلیت کنسرت آنها را خریداری خواهد کرد یا خیر! اینجا همان جایی است که نقش ترانه و متن مشخص می شود و تنها آهنگ هایی ماندگار می شوند که از اشعار وزین و تأثیرگذار و منسجم برخوردار بوده اند. آهنگسازی خوب و صدای خاص خواننده نهایتاً تا چند سال می تواند نام یک خواننده را در صدر رسانه ها حفظ کند با گذشت زمان و برای عبور از تونل موسیقی به مثابه تاریخی این متن و ترانه است که ناجی اثر است. مانند ترانه های فرهاد که بعد از گذشت این همه سال به دلیل مضمون، مخاطب را به دنبال خود می کشد. دلیل اینکه خوانندگان بر طرفدار به سراغ ترانه سرایان جدی نمی روند این است که گاهی برای این دوستان ساختن موسیقی صرفاً به یک مسئله تجاری بدل شده است و برای اینکه با کمترین هزینه و زحمت کار خود را پیش ببرند خودشان بر روی یک آهنگ کلماتی را ردیف می کنند و نشر می دهند.

■ **آیا خوانندگان و آهنگسازان قدیمی از متن ترانه های بهتری در آثار خود استفاده نمی کردند؟**

از میان انبوه آلبوم های موسیقی که در دهه ۴۰ و ۵۰ ساخته شده است، تنها آثاری ماندگار شده اند که علاوه بر صدای خواننده و آهنگسازی خوب، از متن های عاطفه مندتر و موقعیت سازتری برخوردار بوده اند. از در دوره های پیشین از بین ۳ الی ۴ هزار موسیقی ساخته شده همین چند صد آهنگ ماندگار حفظ شده است و این احساس وجود دارد که شاید در گذشته موسیقی

در روزگار حاضر که تورق مجموعه اشعار شاعران نامی و معاصر به دلایل متعدد فرو کاهیده است، شاهدیم که گاهی شنیدن یک موسیقی برایمان چنان دلچسب می شود که لذت زمزمه کردنش از ذهن و جانمان زوددنی نیست تا جایی که مراجعات مکرر ما در هم نوبی با موسیقی مورد نظر، متن ترانه را در جانمان حک می کند و تبدیل به بخشی از خاطرات و کلید یادآوری ما می شوند در رجعت به گذشته و دوره های سخت و شیرین زندگی که از سر گذرانده ایم. اینگونه است که موسیقی وقتی با کلامی سحرانگیز در هیئت ترانه و تصنیف هم نشین می شود، علاوه بر سامان دهی به بخشی از فرهنگ عامه مردم، به تجربه شخصی ما هم چون پیکره ای از یک خاطره دور یا نزدیک بدل می شود. در این میان گاهی زیر سایه سنگین خواننده، نقش ترانه سرا و شعر که یکی از ارکان مهم تأثیرگذار در موسیقی ماندگار است گم می شود. بنابراین بررسی تأثیر متن (شعر، ترانه و تصنیف) به مثابه روایتی و ساختاری در موسیقی از اهداف اصلی این پرونده است که در اولین گفت و گوی آن به سراغ غلامرضا طریقی از شاعران و ترانه سرایان معاصر رفته ایم. طریقی با سابقه ای که در سرودن غزل دارد، چند سالی است که در ترانه سرایی برای اهالی موسیقی نام آشناست و با خوانندگانی چون: همایون شجریان، علیرضا قربانی و آرمان گرشاسبی و... در قطعاتی بیاد ماندنی چون: دور از نفست، هم قفس، آسمان ابری و... همکاری داشته است. در ادامه گفت و گوی خبرنگار اینبار را با غلامرضا طریقی می خوانید.

■ **ترانه به مثابه ساختار و سبک روایی چه تفاوتی با قالب های دیگر شعری دارد و چگونه یک شاعر در قالب ترانه و تصنیف، پایش محکم می شود؟**

ترانه سرایی یکی از قالب های شعری است و تفاوت ماهوی ترانه سرا از شاعر این است که شعر دامنه گسترده تری از ادبیات مزورن را در بر می گیرد، نه به این معنی که هر شاعری می تواند ترانه و تصنیف هم بسراید چرا که در ترانه سرایی ملزوماتی هست که شاعر باید بر آن مسلط شود. تشبیه این دو مقوله مانند فوتبال سالی و فوتبال در زمین چمن است. با اینکه هر دو از یک رشته ورزشی هستند اما الزاماً یک بازیکن حرفه ای فوتبال سالی در چمن موفق نیست و بالعکس. از قدیم برای ایلام شاعران بذل توجه داشتند به اینکه اشعارشان قابلیت دکلمه شدن و خوانده شدن را داشته باشد اما در دوره های مختلف با قوت گرفتن شعر به صورت مستقل این نیاز کم رنگ و پر رنگ شده است. از دوره قاجار به بعد شاهدیم که موسیقی نقش پررنگی را در معرفی شاعران ایفا کرده است. همچنین از دهه های (۴۰ و ۵۰) شاعران، ترانه سرایی و تصنیف را کوچک می شمردند. به طور مثال ایرج میرزا وقتی می خواهد عارف قزوینی را هجو و ذلیل کند، او از مرتبه شاعری خارج و به او خطاب می کند که تو شاعر نیستی و یک تصنیف ساز هستی. اما آنچه که در تاریخ شعر ایران میرز است، این است که تعداد ترانه سرایانی که شاعری هم بدانند اندک است؛ مانند بیژن ترقی در اواخر دهه ۳۰ که در ترانه و تصنیف فوق العاده است اما مجموعه اشعار قابل دفاعی از او در دست نیست. از طرفی، تعداد شاعرانی که ترانه سرایان موفق بودند بیشتر است مانند رهی معیری که هم در شاعری شناخته شده است و هم تصنیف های زیبا و قابل تاملی دارد. عمدتاً ترانه سرا، نمی تواند شاعر خوبی هم باشد اما عکس این صادق است یعنی شاعران زیادی داریم که ترانه های خوب و ماندگاری سروده اند اما در مجموع کسی که شاعر است و می خواهد ترانه بسراید باید به الزامات ترانه سرایی التفات کامل داشته باشد.

■ **برای شما این تغییر سبک از غزل به ترانه سرایی چگونه رخ داد؟**

هر چند که مدت ها است ذوق چاپ مجموعه اشعارم را از دست



یلدا چگونه نام گذاری شد؟

محمد رسولی

محمد رسولی یکی از شاهنامه پژوهان معاصر و نویسنده کتاب «چهارشنبه سوری و یلدا» است وی مطالعات و پژوهش هایی را درباره رسوم ایران به مثابه تاریخ داشته است.

محمد رسولی با اشاره به این نکته که جشن های ایران در عهد کهن، همه ریشه و دلیل و حکمت علمی داشته اند، اظهار داشت: این دلایل نشان از دانش ژرف و عمیق ایرانیان در آن دور دست های تاریخ دارد، به راستی که دانش بسیار زیادی برای تعیین دقیق زمان این جشن ها لازم بوده است و نشان می دهد که ایرانیان چنان دانش و آگاهی زیادی داشته اند که آدمی به سگفت می آید.

رسولی افزود: منظور آن است که زمان گذاری این جشن ها، به طور قراردادی و وضعی نبوده است، بلکه کشفی بوده است. وی ادامه داد: یعنی ایرانیان در چند هزار سال پیش، از حرکت اجرام آسمانی و وضعیت قرار گرفتن خورشید نسبت به زمین، به طور دقیق آگاه بوده اند که می توانستند مقاطع خاص این وضعیت را بدانند و متناسب با تغییراتی که در زمان زمین داده می شد، مناسبت های ویژه و خاص نجومی را معین و تعیین کنند، که یکی از آنها «یلدا» است.

او درباره این سوال که یلدا چه وضعیتی است؟ گفت: در نیم کره شمالی زمین، که ایران بزرگ هم در آن قرار دارد، بر اساس گردش زمین به دور خورشید، دو تعادل و دو انقلاب داریم که در این تعادل ها، طول مدت شب با روز یکسان می شود.

رسولی بیان داشت: این دو تعادل در جشن نوروزگان یعنی اول فروردین و در جشن مهرگان یعنی اول مهر ماه است و از اول مهر، دوباره به تدریج شروع به کاهش طول روز و افزایش طول شب می شود. هر روز مقداری به طول شب اضافه می شود که اوج آن در ۳۰ آذر است. همچنین از روز یکم دی به تدریج به طول روز افزوده می شود و از مدت شب کاسته می شود.

نویسنده کتاب «چهارشنبه سوری و یلدا» توضیح داد: اینکه در شب یکم دی، افزایش روز و روشنایی بیشتر می شود، را زایش نور و روشنایی گفته اند که درست هم می باشد، در اساس معنی یلدا هم همین است.

رسولی در پایان تأکید کرد: باید توجه داشت که ایرانیان در عهد کهن یعنی چند هزار سال پیش، با دقت تمام از حرکت زمین به دور خورشید و وضعیت آن آگاهی داشته اند که این شب را «یلدا» یعنی شب زایش نور و خورشید نامیده اند.

سومین فیلم پر فروش غیر کمدی سال



در ادامه آکران فیلم سینمایی «باغ کیانوش» نخستین فیلم بلند رضا کشاورز حداد به تهیه کنندگی محمدجواد موحد از تیزر انیمیشن این اثر که ساخت آن برعهده سیدیا سر طباطبایی بوده است، رونمایی شد.

این اثر که اولین محصول مشترک باشگاه فیلم سوره و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان محسوب می شود، با ۱۴.۵ میلیارد تومان فروش در سینماها و جذب ۳۵۰ هزار مخاطب در بازه زمانی ۴۵ روز و همچنین فروش ۱۶ میلیارد تومان با جذب ۸۰ هزار مخاطب در آکران سینما، توانسته به فروش بیش از ۱۶ میلیارد تومانی دست پیدا کند.

«باغ کیانوش» با این میزان فروش، اکنون پس از دو فیلم سینمایی «مست عشق» و «بی بدن»، به جایگاه سومین فیلم پر فروش غیر کمدی امسال سینماها رسیده است. شهرام حقیقت دوست، عباس جمشیدی فر، علیرضا آرا، مجید پتکی، مهدیه نساج و... با همراهی گروهی از نوجوانان ترکیب بازیگران این فیلم را تشکیل می دهند. پخش فیلم «باغ کیانوش» که پر فروش ترین فیلم نوجوان سینمای ایران نیز محسوب می شود، برعهده موسسه بهمن سبز است.

«آبر شهر»، ایده تمدن ایرانی و اسلامی را دنبال می کند

محمد رودگر



صاحب این جمله ۹۹ سال زندگی کرد و فقط حمله ایلتان مغول توانست او را در ساعت بکشد. از او خواستند نیشابور را ترک کند، به آستانه محمد محروق اشاره کرد: «اصلم اینجاست، کجا بروم؟» این که من طرفدار اصالتم، دلیل دیگری نمی خواهد؛ همین یک جمله از جدم، حیدر، کافی است. حتی اگر از نسابه گری چیزی نمی دانستم، همین جمله برایم کافی بود که برای همیشه چشمم را به روی همه چیز ببندم و اصل را به اصالت بدهم. به قول حکیم نظامی گنجوی: «همه عالم تن است و ایران دل / نیست گوینده زین قیاس خجل»، «چون که ایران دل زمین باشد / دل ز تن به بود، یقین باشد»

تبریزی، مولانا، سیدین طاووس، خواجه نصیر طوسی، قطب الدین شیرازی، شیخ بهایی، میرفندرسکی، میراماد، آقامحمد بیدآبادی، سیدعلی قاضی، حسنعلی نخودکی اصفهانی، ملاحسینقلی همدانی و سرانجام امام خمینی.

این نویسنده تصریح کرد: با این حال نمی توان گفت که درونمایه «آبر شهر» محدود به سیر تطورات عرفان اسلامی از زهد نخستین تا محوریت عشق عرفانی، تأسیس عرفان نظری و سرانجام گسترش عرفان شیعی است. در «آبر شهر» به موضوعی برتر و فراتر از اینها پرداخته شده است.

این استاد دانشگاه افزود: درونمایه نهایی «آبر شهر»، ایده تمدن ایرانی و اسلامی است. روایت از شخصیت های عرفانی در بستر رخدادهای مهم تاریخ ایران بزرگ، همچون حمله مغول، قیام سرداران، ظهور امپراتوری صفوی، انقلاب مشروطه و سرانجام انقلاب اسلامی ایران صورت پذیرفته است. در تمام این صفحات تاریخی، وطن دوستی و اصالت ایرانی، دغدغه اصلی «آبر شهر» است.

در قطعه ای از کتاب می خوانیم: «پیش از آنکه مغول نیشابور را از صفحه روزگار ناپدید کند، یک عده به آبر شهر پناه برده بودند. این آدمها را می توان دوست نداشت؟

– زهری می خواهم که هیچ تریاق نداشته باشد و در ساعت بکشد!



ترویج بی بندوباری با هدف آسیب به خانواده

علیرضا اسلامی

برنامه «بدون خط خوردگی» رادیو گفت‌وگو در خصوص فروپاشی از درون در غرب با علیرضا اسلامی کارشناس مسائل سیاسی به صورت تلفنی گفتگو کرد.

علیرضا اسلامی با بیان اینکه از ابتدای خلفت انسان یعنی حضرت آدم و هوا، خانواده اصالت داشته است، گفت: ریشه خانواده را در تاریخ به عنوان یک ارزش، در جوامع بشری همیشه داشته‌ایم اما استعمارگران در صد سال اخیر با شعار آزادی و برابری زنان، بانوان را از خانه‌ها به کارخانه‌ها کشاندند تا مشکل نیروی کار را حل کنند.

وی افزود: آنها همچنین این نسخه را برای کشورهای اسلامی هم پیچیدند تا جلوی افزایش جمعیت آنها را بگیرند. آثار این رویکرد را در بسیاری از کشورهای دنیا از غرب تا کشورهای شرقی از جمله ژاپن و کره جنوبی مشاهده می‌کنیم زیرا با رشد منفی جمعیت مواجه هستند. حتی کشور چین با جمعیتی بالغ بر یک میلیارد و ۵۰۰ هزار نفر اجازه داده است خانواده‌ها بیش از یک فرزند هم داشته باشند.

این کارشناس مسائل سیاسی در مصاحبه تلفنی با رادیو گفت‌وگو از دو تفکر مارکسیستی و لیبرالیستی در غرب و شرق گفت و عنوان کرد: مارکسیست‌ها اساساً اصالتی برای خانواده قائل نبودند و این تفکر به بن بست رسید. در لیبرالیسم که پایه‌های آن را اومانیزم تشکیل می‌دهد برای آنکه کالاهای خود را به فروش برسانند، بی بند و باری و فحشا را رواج دادند.

وی از فروپاشیدن بنیان خانواده در غرب گفت و بیان کرد: بر اساس آمارهایی که خود غربی‌ها منتشر می‌کنند، حداکثر دوام ازدواج و زندگی متاهلی در بسیاری از این کشورها چهار سال است و این مسئله تبدیل به یک دغدغه به ویژه برای زنان شده است؛ در حالی که در ایران و کشورهای اسلامی این دغدغه بسیار کمتر است.

اسلامی افزود: بسیاری از پدران و مادرانی که پیر می‌شوند هم به خانه سالمندان می‌روند زیرا فرزندان تعهدی به خانواده ندارند. آمارهایی که در زمینه خانواده منتشر می‌شود واقعا عجیب و غریب است؛ به طوری که در آمریکا از هر ده کودک، چهار کودک نامشروع متولد شده است که این آمار در سال ۲۰۰۷ منتشر شده است.

این کارشناس مسائل سیاسی از تلاش غرب برای صادر کردن بی بند و باری و فروپاشی بنیان خانواده به کشورهای اسلامی گفت و بیان کرد: آنها تلاش دارند با کاهش حجاب و آسیب زدن به خانواده، کشورهای اسلامی را از منظر اجتماعی دچار بحران کنند.

هوش مصنوعی می‌تواند

شخصیت شما را شبیه سازی کند



پژوهشگران گوگل دیپ‌ماینند و استنفورد در مطالعه جدیدی توانستند با عاملیت‌های هوش مصنوعی شخصیت انسان‌ها را شبیه‌سازی کنند. در این مطالعه پژوهشگران برای درک شخصیت شرکت‌کنندگان و شبیه‌سازی به مصاحبه‌های طولانی روی آوردند که جزئیات خاصی مثل خاطرات یا سوگیری و رویکردهای مختلف فرد را در بر می‌گیرد. پژوهشگران می‌گویند این شبیه‌سازی‌ها با دقت ۸۵ درصدی شخصیت فرد را شبیه‌سازی می‌کنند.

پژوهشگران در این مطالعه هزار نفری به دنبال ساخت نسخه‌های شبیه‌سازی شده از انسان‌ها بودند که به گفته مولفان کاربرد ویژه‌ای در مطالعات اجتماعی خواهد داشت. در واقع اگر این شبیه‌سازی‌ها نماینده خوبی از شخصیت انسانی باشند، می‌توان از آنها برای مطالعات خاص که روی انسان‌ها امکان‌پذیر نیست استفاده کرد.

داده‌های قابل اتکا، معیار ارزش‌گذاری پلتفرم‌های سلامت دیجیتال است

ژوبین علاقبند

در حقیقت آنچه پلتفرم‌ها را میلیارد دلاری و ارزشمند می‌کند میزان دیتا و جمع‌آوری آن است. اگر علاوه بر آن توسط هوش مصنوعی و تکنولوژی‌ها ارزش افزوده‌ای بر آن اضافه کنند ارزش بسیار بیشتری هم پیدا می‌کنند. در حوزه سلامت دیجیتال این هوشمندی جدا از بحث درمان به سایر صنایع مثل صنعت بیمه و حتی فین‌تک‌ها کمک می‌کند.

طبق گفته علاقبند در حال حاضر سلامت دیجیتال در جهان بر پایه پیشگیری رفته است و شخصی‌سازی اطلاعات بیماران از الزامات مهم در این حوزه است.

او در ادامه به سهم قابل توجه روان‌پزشکی در وبزیت آنلاین هم اشاره کرد و گفت: هرگز کسی نمی‌تواند با تکنولوژی و با آسایش ایجاد شده توسط آن مقابله کند. گرچه فضای سرمایه‌گذاری در ایران کمتر از فاجعه نیست اما اتصال دانشگاه به بازار می‌تواند به رفع این چالش کمک کند و این شرکت‌های سرمایه‌گذار هستند که می‌توانند این کار را انجام دهند.

در ادامه این رویداد اساتید و دانشجویان حوزه روان‌پزشکی به نقش فناوری‌ها در سلامت روان پرداختند و همچنان نقش انسانی را پراهمیت‌ترین بخش در روان‌پزشکی اعلام کردند.

آنها در ادامه از هوش مصنوعی مسئولیت‌پذیر و توجه به پروتکل‌های انسانی در درمان روان افراد صحبت کرده و تاکید کردند همیشه هم AI قابل اتکا نیست. آنها با مثال‌هایی از توصیه‌های اشتباه چت‌بات‌ها در زمینه خودکشی از بالغ نشدن این حوزه و اهمیت نقش انسانی سخن گفتند.

آنها در نهایت استفاده از خدمات آنلاین، اینترنت، اسمارت‌فون‌ها و گجت‌های هوشمند را جزو ابزارهایی معرفی کردند که در کاهش هزینه‌های درمانی و تنوع راهکارهای درمانی نقش بسیار خوبی ایفا کرده‌اند. (پیوست)



گفت: کرونا به رشد حوزه سلامت دیجیتال در ایران و جهان کمک زیادی کرد. اما به واقع رشد و توسعه حوزه سلامت دیجیتالی در کل جهان از سایر حوزه‌ها کم‌تر است و در ایران این شرایط کمتر هم هست.

علاقبند در ادامه به تفاوت شرایط سرمایه‌گذاری در ایران و جهان اشاره کرد و توضیح داد: میزان ارزش‌گذاری استارت‌آپ‌ها در ایران به دلیل شرایط اقتصادی بسیار متفاوت از سایر کشورهاست. برای مثال دیجی کالا و اسنپ اگر در کشوری دیگر ارزش‌گذاری می‌شدند ارزش واقعی آنها مشخص می‌شد. اما

جمع‌آوری داده‌ها و ایجاد ارزش افزوده توسط آنها معیار اصلی ارزش‌گذاری پلتفرم‌های سلامت دیجیتالی است. این اعتقاد ژوبین علاقبند مدیرعامل گروه سرمایه‌گذاری لیان است. او عامل اصلی ارزشمند شدن استارت‌آپ‌های حوزه سلامت دیجیتال را در داده‌های جامع و قابل اتکا و استفاده از فناوری‌های هوش مصنوعی برای تحلیل و ایجاد ارزش افزوده روی آنها می‌داند.

ژوبین علاقبند مدیرعامل لیان کپیتال در سمینار سلامت روان الکترونیک دانشگاه شهید بهشتی در ارائه‌ای به بیان وضعیت سرمایه‌گذاری در حوزه سلامت دیجیتال در کشور پرداخت و

با افزایش سن بارداری، احتمال وقوع سقط جنین افزایش می‌یابد

صفیه عشوری مقدم - فرزانه مهدی زاده



ناقص و سقط فراموش شده» انواع حالات سقط است که مادر ممکن است با آن مواجه شود.

عشوری مقدم با بیان اینکه سقط جنین یک سری عوارض فوری و عوارض دراز مدت دارد اذعان داشت: عوارضی روحی سقط جنین مانند حسن گناه برای مدت‌ها روی مادر باقی می‌ماند؛ ولی خونریزی‌های شدید و خطرناک، عفونت چسبندگی‌های داخل رحم و نازایی نیز از عوارض آنی سقط جنین می‌باشد که برخی از آنها تا طولانی مدت برای مادر عوارضی خواهد داشت.

وی خاطر نشان کرد: برخی از سقط‌ها در منابع علمی به عنوان سقط جنینی یاد می‌شود که این سقط‌ها به صورت پنهانی و در مراکز غیر استریل و استاندارد انجام می‌شود که سوراخ شدن رحم، خونریزی‌های شدید، عوارض برای بارداری بعدی، نازایی و حتی مرگ از عوارض فوری این سقط‌ها است.

عضو هیئت علمی اورژانس کشور و جراح زنان در بخش دیگری از سخنان خود با تأکید بر اینکه غربالگری تست تشخیصی نیست و نمی‌تواند تشخیص دهد که جنین سالم است و فقط تشخیص می‌دهد که کدام جنین پر خطر است و نیاز به آزمایش‌ها و تست‌های بعدی دارد بیان داشت: غربالگری در مرحله اول در ۱۱ و ۱۲ هفتگی انجام و مرحله دوم غربالگری در ۱۵ تا ۱۶ هفتگی برای برخی جنین‌ها انجام می‌شود و در صورت پر خطر بودن مادران به مراکز تخصصی معرفی می‌شوند.

■ کمیسیون سقط قانونی تنها مرجع صدور مجوز سقط جنین دکتر فرزانه مهدی زاده مدیرکل امور معاینات بالینی سازمان

دکتر صفیه عشوری مقدم، عضو هیئت علمی اورژانس کشور و جراح زنان با حضور در برنامه «گفتگوی علمی» با موضوع سقط جنین مکرر و بررسی علل و عوارض آن بیان داشت: متأسفانه سن باروری در کشور ما بالا رفته است و دختران دیر ازدواج می‌کنند و بعد از ازدواج هم بارداری خود را به تأخیر می‌اندازد و در سنین ۳۵ سال به بالا اقدام به بارداری می‌کنند که بارداری در سنین بالای ۳۵ و ۴۰ سال احتمال سقط جنین را افزایش می‌دهد.

وی با بیان اینکه بر اساس آمار ۲۰ درصد حاملگی‌ها منجر به سقط می‌شود گفت: بالا رفتن سن پدر و مادر از عواملی است که خطر سقط را افزایش می‌دهد و درصد سقط بارداری در سن بالای ۴۰ سال ۵۰ به ۵۰ است.

عشوری مقدم تصریح کرد: آلودگی‌ها، سبک زندگی، اختلال ژنی جنین، برخی بیماری‌های خودایمنی مانند لوپوس، مشکلات تیروئیدی، برخی عفونت‌ها، برخی عادت‌های بد مثل سیگار کشیدن و مصرف الکل، تغذیه نامناسب و مصرف زیاد کافئین نیز از عوامل مؤثری هستند که احتمال سقط جنین را بالا می‌برد.

عضو هیئت علمی اورژانس کشور و جراح زنان در تعریف سقط جنین بیان داشت: زمانی که به هر دلیلی یک بارداری پیش از اینکه جنین به مرحله قابل حیات بودن (پیش از ۲۰ هفته و رسیدن جنین به حدود ۵۰۰ گرم) برسد این بارداری ختم شود سقط انجام شده است.

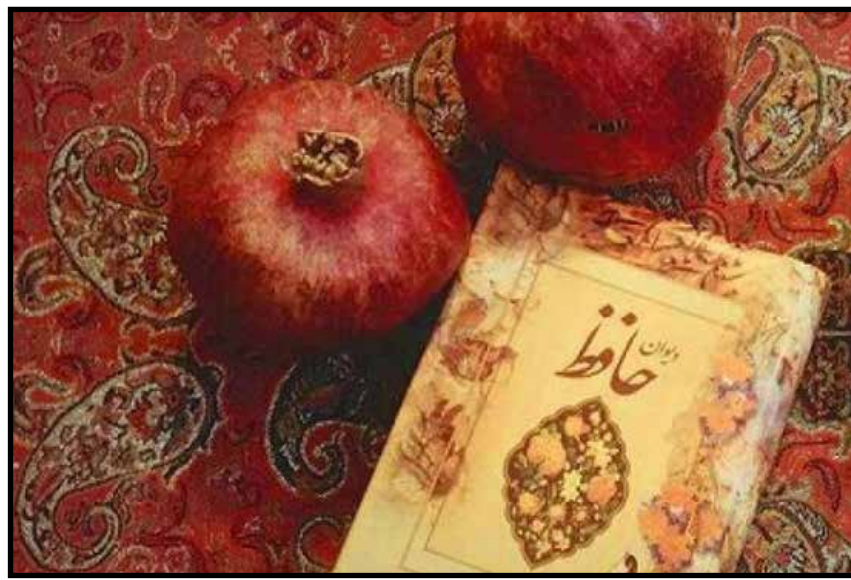
عشوری مقدم اظهار داشت: مصرف غذای سالم، متنوع و به‌اندازه، تغذیه ای که میوه و سبزی و غلات و روغن گیاهی مناسب و ماهی داشته باشد می‌تواند خطر سقط را کاهش دهد.

وی بیان داشت: «تهدید به سقط» که در واقع لکه بینی لانه گزینی است و اگر خونریزی بیشتر و با درد باشد «سقط اجتناب ناپذیر» و خروج بخشی از محصولات بارداری و جنین که «سقط

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: محمد جواد اهووی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه اهووی | گرافیکست و صفحه آرا: سارا کولیوند
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی
تلفن: ۰۲۱۸۱۵۵۲۵۱۸ - ۰۹۹۳۱۲۴۱۳۴ | آگهی‌ها: ۰۲۱۸۱۵۵۲۵۱۸
نشانی: بلوار کشاورز - خیابان عبدالته زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۸۱۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



«آبر شهر»، ایده تمدن ایرانی و اسلامی رادنبال می‌کند

نویسنده رمان «دخیل هفتم» با اشاره به اینکه رمان «آبر شهر» دربار تاریخ عرفان اسلامی و ایرانی از خاستگاه اصلی آن در نیشابور قدیم تا زمان معاصر است، گفت: آبر شهر نام شهر نیشابور در ایران باستان است.

یلدا چگونه نام گذاری شد؟

قطعا ایرانیان در عهد کهن، با دقت تمام از حرکت زمین به دور خورشید و وضعیت آن آگاهی داشته‌اند که شب یکم دی را «یلدا» یعنی شب زایش نور و خورشید نامیده‌اند.



اگر در گناه افراط گزیدی
از رحمت خدا ناامید نشو که ...
امید به مغفرت، زمینه آموزش است
(سوره زمر، آیه ۵۴)

به دنبال جذب فالوئر است



مصاحبه طوفانی رئیس فدراسیون وزنه برداری علیه کیانوش رستمی: او به دنبال جذب فالوئر است و به کشورش پشت کرده! سجاد انوشیروانی گفت: نمی‌دانم کیانوش رستمی به دنبال چه چیزی است که جوسازی می‌کند. رستمی با کشور کوزوو قرارداد امضا کرده و پاسپورت آن کشور را هم گرفته است. به نظر من او به کشورش پشت کرد. اگر او می‌تواند این وزنه‌ها را بزند چرا قبل از المپیک برای کشور خودش این وزنه‌ها را نزند؟ یا چرا الان برای کشور خودش وزنه نمی‌زند؟ بعضی دوستان می‌گویند رستمی به دنبال جمع کردن فالوئر است که به نظرم این موضوع صحت دارد. رستمی علیه ما ادعا کرده که مافیا هستیم، به ما ثابت کنند که چه مافیایی انجام دادیم؟ من اگر مافیا درست کردم چرا امثال داوودی و یوسفی نتیجه گرفتند؟ اگر حق امثال وزنه‌بردارانی همچون کیانوش رستمی را خوردم و او را نابود کردم که افراد دیگری روی کار بیایند به من بگویند. آیا غیر از شایسته‌گزینی ما کار دیگری انجام داده‌ایم؟

نگاهتان به المپیک و پارالمپیک یکسان باشد

زهرا رحیمی



کشورمان را به اهتزاز در آوریم. آقای رئیس‌جمهور از زحمات شما و تمام کسانی که مرا باور داشتند، ممنونم. به دختران سرزمینم می‌گویم بیایید به سمت فردایی بهتر حرکت کنیم. درخواستی از رئیس‌جمهور دارم و آن هم یکسان بودن نگاهتان به المپیک و پارالمپیک است.»

جوان‌ترین عضو کاروان ایران در بازی‌های پارالمپیک پاریس از پزشک‌های خواست تبعیضی بین المپیک و پارالمپیک قائل نشود. زهرا رحیمی، دختر پاراتکواندوی کشورمان در پاریس ۲۰۲۴ مدال نقره را به گردن آویخت تا در مراسم تجلیل از مدال‌آوران بازی‌های المپیک و پارالمپیک حضور داشته باشد. رحیمی با اشاره به عزم راسخ دختران ورزشکار تأکید کرد: «در این مراسم نه فقط به عنوان یک ورزشکار، بلکه به عنوان کسی که رؤیای امید را در قلبش پرورش داده و به امید فردایی بهتر تلاش کرده، حضور داشتیم. ورزش چیزی فراتر از رقابت است. چشم‌اندازی داشتیم که بر شتاب حرکتیم افزود. چشم‌اندازی که می‌دانستیم فقط به مدال ختم نمی‌شود، بلکه به الهام بخشی برای نسل‌های آینده هم خواهد شد. دختران ایران به آینده‌ای پر از فرصت و شغل و شور و شوق باور دارند، این شوق برای من از خانواده‌ام آغاز شد، به‌ویژه پدر و مادرم. ما می‌توانیم قله‌های افتخار را فتح کنیم و پرچم

اندوه بزرگ حسن یزدانی در پاریس



روایت اتحادیه جهانی کشتی از فینال المپیک: اندوه بزرگ حسن یزدانی در پاریس

اتحادیه جهانی کشتی با بیان اینکه آسیب دیدگی یزدانی در فینال حساس المپیک یک ضربه و اندوه بزرگ برای او و طرفداران کشتی در ایران بود، نوشت: «یزدانی مدت‌ها از ناحیه کتف مشکل داشت. او چند ماه قبل از المپیک کتف خود را جراحی کرد و سپس در مسابقات رتینگ بوداپست مجارستان نیز خوب به نظر رسید و نشان داد یکی از مدعیان کسب مدال طلا در پاریس خواهد بود. در المپیک همه چیز برای یزدانی خوب پیش می‌رفت و او به فینال رسید اما لحظاتی پس از مبارزه فینال برابر رمضان اف، کتف یزدانی در رفت. او در مبارزه فینال چند مرتبه تایم پزشکی گرفت و نتوانست با همه توان خود کشتی بگیرد تا در نهایت با قبول شکست به دومین مدال نقره خود در دو المپیک متوالی برسد.»

تنفس پولاد مردان در هوای تازه

شیوانوروزی

آسیب‌دیدگی‌اش وجود دارد.

علی داوودی نیز با ثبت رکورد مجموع ۴۵۹ کیلوگرم نایب‌قهرمان جهان شد و مدال نقره را به دست آورد. داوودی همچنین برنز یک‌ضرب و نقره دوضرب این وزنه را نیز به گردن آویخت.

درخشش آینده‌دارها

در این دوره، ملی‌پوش ۱۰۹ کیلوگرم ایران توانست طلسم یک ناکامی تاریخی را بشکند. مهدی کرمی بعد از قطعی کردن مدال نقره یک‌ضرب خود، توانست مدال برنز مجموع را نیز در این دسته به ارمغان بیاورد. وزنه‌برداری ایران تاکنون هرگز موفق به کسب مدال جهانی مجموع در این وزن نشده بود. علی عالی‌پور دو مدال برنز (دوضرب و مجموع) و علیرضا معینی یک نقره (یک‌ضرب) دسته ۹۶ کیلوگرم را به چنگ آوردند. از بین نفرات اعزامی رضا باغی، مصطفی جوادی، علیرضا نصیری، ابوالفضل زارع و آریا پایدار موفق به کسب مدال نشدند. الهه رزاقی تنها بانوی وزنه‌بردار اعزامی نیز از رسیدن به مدال جهانی بازماند.

عملکرد امیدوارکننده

نایب‌قهرمانی تیم‌ملی وزنه‌برداری در حالی رقم خورد که چین با ۵۶۳ امتیاز قهرمان جهان شد و ایران با ۵۴۷ امتیاز مقام نایب‌قهرمانی را به دست آورد. عنوان سومی نیز به کره‌شمالی رسید. همچنین نیمی از تیم اعزامی مردان (پنج نفر) حضور روی سکوی جهانی ۲۰۲۴ را تجربه کردند. تیم‌ملی وزنه‌برداری در جهانی ۲۰۲۱ تاشکند هم نایب‌قهرمان شده بود (دو طلا، سه نقره و سه برنز).

درخشش جوانان ایران در منامه امید را به وزنه‌برداری ایران بازگرداند. نایب‌قهرمانی شاگردان نواب نصیرشلال نوید روزهای خوبی را به این رشته می‌دهد و انتظار می‌رود این درخشش در بازی‌های آسیایی ناگویا و المپیک لس آنجلس نیز تکرار شود.

مسابقات قهرمانی جهان ۲۰۲۴ در بحرین با نایب‌قهرمانی پولادمردان ایران به پایان رسید. یک طلا، سه نقره و شش برنز حاصل تلاش تیمی است با میانگین سنی ۲۲ سال. با این نتایج می‌توان امیدوار بود به بازگشت وزنه‌برداری کشورمان به روزهای خوب و قرار گرفتن در بین بهترین‌های جهان.

نبرد غول‌ها

۱۰ پولادمرد اعزامی به مسابقات جهانی هرچه در توان داشتند، گذاشتند تا مجموعاً ۱۰ مدال خوش‌رنگ را با خود به کشورمان بیاورند. در این میان تنها طلایی وزنه‌برداری ایران یک جوان ۲۱ ساله بود؛ علیرضا یوسفی از نبرد غول‌ها سربلند بیرون آمد و مدال زرین را به گردن آویخت. یوسفی همانند دیگر ملی‌پوشان برای رسیدن به این افتخار بزرگ نهایت تلاشش را کرد و به هدفش هم رسید. جنگ اصلی در دسته ۱۰۹ + کیلوگرم بود، جایی که ایران دو نماینده داشت؛ یوسفی پس از درخشش در رده جوانان با مهارت ۲۶۲ کیلویی مدال دوضرب این دسته را مقتدرانه از آن خود کرد. همان مدالی که لاشا تالاخادزه گرجستانی از سال ۲۰۱۷ در اختیار داشت، ولی یوسفی ثابت کرد توانایی پشت‌سر گذاشتن غول‌ها را دارد. این طلایی ارزشمند در حالی به دست آمد که یوسفی چند ماهی با مصدومیت زانو دست به گریبان بود و به گفته خودش بعد از وزنه زدن در بحرین احتمال تشدید

افتخار ایران

امیدواری به نسل جدید وزنه‌برداری مهم‌ترین دستاورد تیم‌ملی در جهانی ۲۰۲۴ بود. نواب نصیرشلال، سرمربی این تیم روی این نکته تأکید زیادی دارد: «این تیم یکی از جوان‌ترین تیم‌هاست و در حال پخته شدن و با تجربه شدن است. همه بچه‌ها زحمت کشیدند و شرایط سخت اردویی را تجربه کردند. دوست دارم مردم بدانند این بچه‌ها در این شش ماهی که در اردو بودند، سه روز هم خارج از اردو حضور نداشتند و مطمئن باشند این قهرمان‌ها صددرصد توان خود را برای این ورزش گذاشتند. جوان‌ترین تیمی هستیم که توانستیم مقام دوم را کسب کنیم و خدا را شاکریم. تمام تلاش ما در این یک‌سال و ۹ ماهی که با کادرفنی در خدمت تیم بودیم،

ادا کردن دین‌مان بود. حتماً با این بچه‌هایی که در تیم داریم، می‌توانیم اتفاقات خوبی را در بازی‌های آسیایی و المپیک رقم بزنیم. قبلاً هم گفتیم؛ چه ما باشیم و چه نباشیم، این بچه‌های جوان صاحب‌عنوان‌های بزرگی می‌شوند که باعث افتخار ایران و ایرانی است. روندی در تیم ملی شروع شده که چه من باشم و چه نباشم باید در این راستا تلاش و به تیم‌ملی کمک کند. سرمربی تیم‌ملی در خصوص عملکرد ملی‌پوشان دسته سنگین‌وزن گفت: «رقابت دسته فوق‌سنگین خیلی سخت، سنگین و لذت‌بخش بود و بسیار پیچیده شد. به هر دو عزیز تبریک می‌گویم. علی داوودی شانس



طلا را داشت و می‌توانست طلا بگیرد. حرکت اول او را کامل ندیدم و فکر می‌کردم خطا نباشد. اگر حرکت اولش را خطا نمی‌دادند، می‌توانستیم حرکت دومش را ۲۶۰ بدهیم و برای طلای مجموع برویم. علیرضا یوسفی هم عالی کار کرد و در دو حرکت پشت هم خودش بود. برای سنگین‌وزن خیلی سخت است که دو حرکت را خودش انجام بدهد. دوست داشتیم با علیرضا یوسفی برای رکورد جهان برویم و می‌خواستیم بعد از ۲۵۸ برای ۲۶۳ اقدام کنیم. علی هم در یک‌ضرب عالی کار کرد. به همه خسته نباشید می‌گویم. از تیم ۱۰ نفره پنج مدال کسب کردیم و این اتفاق خوبی برای من بود، آن هم زمانی که سال گذشته دو مدال به دست آورده بودیم.»